



دو فصلنامه پژوهشنامه تفسیر مقارن

سال سوم / شماره ۵ (ویژه نامه) / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفی (علیه السلام)

مدیر مسئول: حمید محمدی

سردبیر: حوری رضازاده

اعضای هیئت تحریریه:

مرجان باوفا (استادیار دانشگاه فرهنگیان)، فریده پیشوایی (دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه)، سیده زینب حسینی (دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفی (علیه السلام)، حوری رضازاده (دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفی (علیه السلام)، محمد عابدی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، عبدالله میراحمدی (دانشیار دانشگاه خوارزمی)، زهرا مدرسی راد (دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفی (علیه السلام))

مدیر اجرایی: زهرا اسعدی سامانی

ویراستار ادبی و مترجم: افسانه قربانی

صفحه آرایی: منیژه گلستانی

چاپ و نشر: نشر هاجر

آدرس: خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، کوچه باستانی پاریزی، پلاک ۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۵۱۳۴

Email: tafsir-mogharen@whc.ir

website: tafsir-mogharen.whc.ir

پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۶۳۳۵

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

۱. مشخصات نویسنده / نویسندگان: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، شماره تماس و نشانی الکترونیکی در فایل جداگانه ارسال گردد.
۲. حجم هر مقاله بیش از ۷۵۰۰ کلمه نباشد. مقالات پرحجم جهت تلخیص برگردانده خواهد شد.
۳. چکیده فارسی، عصاره مقاله است و باید حداکثر ۱۵۰ کلمه باشد (بیان مسأله یا موضوع، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به دستاوردها).
۴. واژگان کلیدی فارسی، حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.
۵. مقدمه، شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش است.
۶. در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به این موارد پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به‌طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم مطالب در قالب محورهای مشخص.
۷. نتیجه‌گیری، شامل یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف در نظر گرفته شده از انجام پژوهش، مقاله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد تحقیق است.
۸. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
۹. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
۱۰. ارجاعات، به شیوه درون‌متنی تنظیم و به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایاندن ترتیب انتشار، از حروف الف، ب، ج و ... استفاده شود و فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج گردد.
(أ) برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ سال انتشار داخل ()، نام کتاب؛ نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: ناشر.
(ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ «عنوان مقاله»؛ عنوان مجموعه (مجله)، شماره مجله، سال انتشار.
۱۱. ارسال، پیگیری، ارزیابی، اصلاحات، تأیید نهائی و انتشار مقاله، تنها از طریق سامانه tafsir-mogharen@whc.ir انجام می‌پذیرد.

فهرست مطالب

نقض اصل تفکیک در جنگ رمضان با تأکید بر حمله نظامی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات انرژی در اسلام و حقوق بین‌الملل / ولی‌اله نصیری، صالح رضایی پیش‌رباط، حجت سلیمی ترکمانی . ۷۰	
اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر ﷺ؛ تطبیق اخلاق جنگ و قواعد بشردوستانه در جنگ‌های دوازده‌روزه و رمضان / عزیزالله محمدی ۲۱	
تحلیل فلسفه جهاد در جنگ رمضان بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم / علی‌اصغر جعفری ولنی، فاطمه امینی پویا ۳۳	
نقش راهبردی زن در تربیت نیروهای ولایت‌مدان: واکاوی پیوند اخلاق عملی با امنیت اجتماعی و روحیه جهادی در بستر جنگ ترکیبی / فاطمه مرشدی بیدگلی ۴۷	
صلح و سازش در قرآن؛ مطالعه تطبیقی «پیمان ابراهیم» با آموزه‌های قرآنی صلح / سمیه کیاهور، سمیه عباسی ۶۳	
تحلیل تطبیقی تفسیر آیات جهاد در قرآن کریم از منظر سید قطب (مفسر سنی) و سید جواد مغنیه (مفسر شیعی) / فاطمه محمدی ۷۷	
اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر (مطالعه تطبیقی قواعد بشردوستانه در جنگ‌های جدید) / شهناز اکبری ۹۱	



Violation of the Principle of Distinction During the Ramadan War: A Focus on US and Israeli Military Strikes Against Energy Facilities—Perspectives from Islam and International Law

Valiollah Nasiri

PhD student in International Law, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Maragheh, Iran
[.valinasiri58@yahoo.com](mailto:valinasiri58@yahoo.com)

Saleh Rezaei Pishrobat (Corresponding Author)

Saleh Rezaei Pish-Robat, Associate Professor, Nuclear Science and Technology Research Institute, Tehran, Iran
srezaei@aeoi.org.ir

Hojjat Salimi Turkmani

Associate Professor, Department of Law, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.
salimi@azaruniv.ac.ir

Abstract

During the 12-Day War and the Ramadan War, the Zionist regime and the United States violated the principle of distinction by attacking civilian targets, including energy facilities. Employing a descriptive-analytical method and documentary research, this study examines the status of the principle of distinction and analyses the effects and consequences of its violation under both international law and Islamic law. The central research question is: what is the status of the principle of distinction in international law and Islamic law, and what are the consequences of violating it? Research findings indicate that in both international law and Islamic law, no principle or rule surpasses the principle of distinction in terms of importance and binding force. This principle is clear, fundamental, non-derogable and peremptory; it mandates that parties to a conflict direct their military operations exclusively against military objectives. Consequently, targeting non-military objectives—such as energy facilities—constitutes a flagrant violation of the “principle of distinction” and a clear instance of “war crimes” under Article 8 of the Rome Statute, thereby rendering the perpetrators, those who ordered the attacks, and those who carried them out criminally liable under international law.

Keywords: Ramadan War, principle of distinction, non-military objectives, energy facilities, civilian objects.

انتهاك مبدأ التمييز خلال حرب رمضان: التركيز على الضربات العسكرية الأمريكية والإسرائيلية ضد منشآت الطاقة - منظورات من الإسلام والقانون الدولي

ولي اله نصيري

طالب دكتوراه في القانون الدولي، جامعة آزاد الإسلامية، فرع مراغة، مراغة، إيران

valinasiri58@yahoo.com

صالح رضايي پيش رباط

أستاذ مشارك، معهد طهران للعلوم والتقنيات النووية، إيران

srezaei@aeoi.org.ir

حجت سليمي تركماني

أستاذ مشارك، قسم القانون، جامعة شهيد مدني في أذربيجان، تبريز، إيران

salimi@azaruniv.ac.ir

الملخص

خلال حرب الـ ١٢ يوماً وحرب رمضان، انتهك الكيان الصهيوني والولايات المتحدة مبدأ التمييز بشن هجمات على أهداف مدنية، بما في ذلك المنشآت الطبية والصحية وكذلك منشآت الطاقة. يعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي - التحليلي والبحث الوثائقي، لبيان مكانة مبدأ التمييز ودراسة آثار وعواقب انتهاكه في القانون الدولي والإسلام. والسؤال الأساسي للبحث هو: ما هي مكانة مبدأ التمييز في القانون الدولي والإسلام، وما هي آثار انتهاكه؟ تظهر نتائج البحث أنه لا يوجد مبدأ أو قاعدة أقوى من مبدأ التمييز من حيث الأهمية والإلزام في القانون الدولي والإسلام. هذا المبدأ، مع وضوحه، أساسي وغير قابل للعدول وأمر، وبناءً عليه، يلتزم أطراف النزاع بتوجيه عملياتهم العسكرية ضد الأهداف العسكرية فقط. ومن ثم، فإن استهداف الأهداف غير العسكرية، مثل منشآت الطاقة، يُعد انتهاكاً صريحاً لمبدأ التمييز ومثلاً واضحاً على "جرائم الحرب" بموجب المادة ٨ من نظام روما الأساسي، بحيث يتحمل المرتكبون والآمرون والفاعلون المسؤولية الجنائية الدولية.

الكلمات المفتاحية: حرب رمضان، مبدأ التمييز، الأهداف غير العسكرية، منشآت الطاقة، الأماكن المدنية.

نقض اصل تفکیک در جنگ رمضان با تأکید بر حمله نظامی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات انرژی در اسلام و حقوق بین الملل

ولی اله نصیری

دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، ایران
valinasiri58@yahoo.com

صالح رضایی پیش رباط

دانشیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای تهران، ایران
srezaei@aeoi.org.ir

حجت سلیمی ترکمانی

دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
salimi@azaruniv.ac.ir

چکیده

در طول جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا با حمله به اهداف غیرنظامی، از جمله تأسیسات انرژی، اصل تفکیک را نقض کردند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تحقیق اسنادی، به تبیین جایگاه اصل تفکیک و بررسی آثار و پیامدهای ناشی از نقض آن در حقوق بین الملل و اسلام می پردازد. پرسش اساسی تحقیق آن است که اصل تفکیک چه جایگاهی در حقوق بین الملل و اسلام دارد و نقض آن چه آثار و پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؟ یافته های تحقیق نشان می دهد که در حقوق بین الملل و اسلام، هیچ اصل و قاعده ای از حیث اهمیت و الزام آوری، قوی تر از اصل تمایز وجود ندارد. این اصل، در عین صراحت و روشنی، بنیادی، غیرقابل عدول و آمره است و بر اساس آن، طرف های مختصمه موظف اند عملیات نظامی خود را صرفاً علیه اهداف نظامی هدایت کنند. از این رو، هدف قرار دادن اهداف غیرنظامی، مانند تأسیسات انرژی، نقض آشکار «اصل تفکیک» به شمار می آید و مصداق بارز «جنایات جنگی» ذیل ماده ۸ اساسنامه ژنوا است؛ به گونه ای که مرتکبان آمران و عاملان این حملات، دارای مسئولیت کیفری بین المللی خواهند بود. کلیدواژه ها: جنگ رمضان، اصل تفکیک، اهداف غیرنظامی، تأسیسات انرژی، اماکن غیرنظامی.

۱. مقدمه

اصطلاحات *jus in bello* و *jus ad bellum* نخستین بار در آثار «جوزف کونز» در دهه ۱۹۳۰ مطرح شدند (Kolb, 2010, ص ۵۵۳). این دو عبارت بیانگر دو مفهوم متفاوت در حقوق بین الملل هستند که به ترتیب به شرایط توجیه استفاده از زور و قواعد رفتار در زمان جنگ می پردازند. حقوق دانان همواره میان این دو تمایز قائل شده اند (Sassoli, 2002, ص ۸۴۶). پروفسور دینشتاین می نویسد: «هیچ ارتباطی میان حق بر جنگ و حق در جنگ وجود ندارد» (Dinstein, 2016, ص ۳۰). همچنین پروفسور ساسولی این جدایی را «مهم ترین اصل حقوق بین الملل بشردوستانه» توصیف کرده (Sassoli, 2019, ص ۷۲۰) و پروفسور اشمیت آن را «اصل بنیادی حقوق بین الملل» نامیده است (Schmidt, 2010, ص ۷۳۹).

کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز بر استقلال این دو اصل تأکید کرده است. با آغاز یک جنگ، حقوق مربوط به جنگ (*jus in bello*) مطرح می شود که هدف آن حفاظت از جمعیت غیرنظامی و صیانت از اهداف غیرنظامی است. یکی از مهم ترین اصول حقوق بشردوستانه در مخاصمات، «اصل تفکیک» است. برابر ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹، طرف های متخاصم باید همواره میان غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی از یک سو و اهداف نظامی از سوی دیگر تمایز قائل شوند و حملات را صرفاً متوجه اهداف نظامی سازند. به عبارت دیگر، حمله به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی مطلقاً ممنوع است.

برخی به دلیل نقض مکرر این قواعد، حقوق بشردوستانه را فاقد ضمانت اجرا می دانند، اما باید توجه داشت که پابندی به این قواعد ریشه در تمدن ها، فرهنگ ها و ادیان دارد. نظام حقوقی اسلام بیش از سایر نظام ها، اصول



بشردوستانه‌ای را در راستای ارج نهادن به کرامت انسانی ارائه داده است. هرچند اصل تفکیک در قرآن و روایات به صراحت نیامده، اما آموزه‌های اسلامی بر حفظ جان و مال مردم و منع آسیب به غیرنظامیان تأکید فراوان دارند. احترام به اماکن مقدس و پرهیز از تخریب تأسیسات غیرنظامی نیز از اصول اخلاقی و فقهی جنگ در اسلام به شمار می‌رود.

در تعالیم اسلامی، رعایت اصول اخلاقی در جنگ‌ها گسترده است؛ برای نمونه، به افراد بی‌سلاح، مجروحان، سالخورده‌گان، زنان و کودکان نباید آسیب رساند؛ باغ‌ها و مزارع نباید تخریب شوند و استفاده از مواد سمی برای آلوده کردن آب‌ها ممنوع است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ص ۹). همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام در فرمان خود به سپاهیان در جنگ صفین فرمود: «با دشمنان نجنگید تا آنان آغاز کنند... فراریان را نکشید، بر ناتوانان ضربه نزنید، مجروحان را از پای در نیاورید و با آزار زنان را تحریک نکنید» (مفید، ۱۳۶۷، ص ۲۰۵؛ طوسی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۵۶). این گفتار، نمونه‌ای روشن از پایبندی اسلام به اصول انسانی در مخاصمات است.

این پژوهش به صورت نظری و کتابخانه‌ای، به بررسی نقض اصل تفکیک در جنگ رمضان با تأکید بر حملات به تأسیسات انرژی از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل پرداخته است. در این راستا از منابع فقهی، حقوقی، مقالات و اسناد بین‌المللی استفاده شده است. کتب اربعه و آثار فقه‌های شیعه مانند شیخ طوسی، علامه حلی، ابن‌ادریس، محقق حلی و شیخ صدوق در «کتاب الجهاد» به این مباحث پرداخته‌اند. وجه تمایز این پژوهش، بررسی هدف قرار دادن تأسیسات انرژی در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلامی است که کمتر مطالعه شده است.



۱. مفهوم اصل تفکیک و معیارهای آن در حقوق بین الملل و حقوق اسلامی

اصل تفکیک هم جنبه پیشگیرانه و هم جنبه حفاظتی دارد و هدف آن کاهش خسارات مستقیم و جانبی بر افراد و مراکز غیرنظامی است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ نسبت به این اصل صریح نبودند، اما پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) در مواد ۴۸، ۵۱ و ۵۲ به صراحت به آن پرداخته است (Swiney & Saving, 2005, ص ۷۴۱). با این حال، تعیین اینکه چه هدفی نظامی است همواره آسان نیست (Bothe et al., 2019, ص ۷۴۶). برخی حقوق دانان بر این باورند که در تعیین اهداف نظامی باید به نحوه استفاده از اشیا توجه کرد، نه ویژگی ذاتی آن‌ها (Jeanne, 2001, ص ۱۶۴). براین اساس، هر شیء ممکن است در شرایطی به هدف مشروع حمله تبدیل شود (Schmitt, 1998, ص ۲۰۴؛ Wall, 2002, ص ۱۴۲).

ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول، اهداف نظامی را محدود به آن دسته از اهدافی می‌داند که از نظر ماهیت، مکان، هدف یا کاربرد، سهم مؤثری در اقدام نظامی دارند و تخریب آن‌ها در شرایط حاکم، مزیت نظامی مشخصی فراهم می‌آورد. بنابراین، دو معیار «سهم مؤثر در اقدام نظامی» و «ایجاد مزیت نظامی قطعی» لازم است (ILA Study Group, 2017, ص ۳۲). در صورت تردید، هدف باید غیرنظامی تلقی شود (API, art. 52).

۲. جایگاه اصل تفکیک

۱-۲. جایگاه اصل تفکیک در اسلام

دیدگاه اسلام بر کاهش آثار جنگ استوار است. فقهای شیعه و سنی قاعده «لا یُقَتَّلُ غیرُ القتال» یا «لا یُقَتَّلُ غیرُ الْمُقَاتِل» را مطرح کرده‌اند که بر ممنوعیت کشتن



غیرنظامیان دلالت دارد (روحانی، ۱۳۹۲، ج ۲۶، ص ۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۳۸؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۳۱). صاحب جواهر الکلام می‌نویسد: «کسی از فقها را سراغ ندارم که با اصل تفکیک مخالف باشد» و علامه حلی بر آن ادعای اجماع کرده است (نجفی، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۱۹۸). امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی فرمود (سبزواری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

در اسلام، کشتار کشاورزان، تاجران، کودکان، زنان، راهبان و غیره جایز نیست. همچنین محدودیت‌های زمانی (ماه‌های حرام)، مکانی (اماکن مقدس) و شیوه‌ای (منع سلاح‌های سمی، میکروبی، سوزاندن و قطع درختان) مورد تأکید است (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۴؛ حلی، ۱۲۷۲، ص ۱۰۳؛ کلینی، ۱۴۳۱، ج ۵، ص ۲۸؛ اشعث کوفی، ۱۴۱۲، ص ۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، باب‌های ۱۵ و ۱۶). آیه ۱۹۰ سوره بقره با عبارت «وَلَا تَعْتَدُوا» (از حد تجاوز نکنید) حدود جنگ را مشخص می‌کند. علامه طباطبایی می‌نویسد: «نهی از اعتداء نهی مطلق است و هر عملی را که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد دربرمی‌گیرد؛ مانند کشتن زنان و کودکان یا هدف قرار دادن اهداف غیرنظامی» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۷). مؤلف تفسیر قرآن مهرنیز بر رعایت اصول اخلاقی در جنگ و منع تخریب باغ‌ها و آلوده کردن آب‌ها تأکید دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۴). دیگر مفسران نیز اطلاق «عدم تعدی» را تأیید کرده‌اند (بهرام‌پور، ۱۴۰۲، ص ۸۷؛ قرشی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۵۲؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ص ۳۴۸).

در خصوص تأسیسات انرژی، هرچند نص صریحی وجود ندارد، اما قاعده محدودیت در شیوه‌های نبرد حکم آن را استنباط می‌کند. استفاده از سلاح‌های غیرمعمول که خسارات گسترده ایجاد کند، مانند زهرآلود کردن آب یا غذا،

ممنوع است (اشعث کوفی، ۱۴۱۲، ص ۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، باب های ۱۵ و ۱۶). تخریب تأسیسات هسته ای که موجب انتشار تشعشعات رادیواکتیو و پیامدهای غیرقابل کنترل می شود، به طریق اولی حرام است (عبدالفیاض جانحوری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲). ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول نیز تأسیسات دارای نیروهای خطرناک (سدها، نیروگاه ها) را هدف حمله قرار دادن ممنوع اعلام کرده، هرچند این ممنوعیت مشروط است (Additional Protocol I, 1977, art. 56; Kurando, 2023, ص ۱). امام علی علیه السلام نیز در سیره عملی خود بر رعایت حقوق غیرنظامیان و مصونیت اموال غیرجنگی تأکید داشتند و می فرمودند که اموال غیرجنگی باید به صاحبانشان بازگردانده شود (مسعودی، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۳۶۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱؛ صدوق، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۰۳).

۲-۲. جایگاه اصل تفکیک در حقوق بین الملل

اصل تفکیک نخستین بار در «دستورالعمل های لیبر» (۱۸۶۳) شناسایی شد (Lieber, 1863, ص ۳). اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸ و پروتکل بروکسل ۱۸۷۴ نیز آن را پذیرفتند. دستورالعمل آکسفورد ۱۸۸۰ تصریح کرد که وضعیت جنگی توسل به خشونت نامحدود را مجاز نمی شمارد (The Laws of War on Land, 1880, ص ۳۵). کنوانسیون های لاهه ۱۹۰۷ نیز به طور محدود به این اصل پرداختند (Convention Hague IV, 1907, art. 25; Convention Hague IX, 1907, art. 1). نخستین اشاره صریح به «هدف نظامی» در قواعد جنگ هوایی لاهه ۱۹۲۳ مشاهده شد (Oppenheim, 1952, ص ۹۴۱). پس از جنگ جهانی دوم، تلاش های کمیته بین المللی صلیب سرخ و قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل (مانند قطعنامه ۲۶۷۵) و مؤسسه حقوق بین الملل (ادینبورگ،



۱۹۶۹) به تثبیت این اصل انجامید. اوج آن در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنوتجلی یافت (Rovine, 1973, ص ۱۲۲). شورای امنیت نیز در قطعنامه‌هایی مانند ۲۵۷۳ حملات به زیرساخت‌های حیاتی را محکوم کرده است.

۳. حملات رژیم صهیونیستی و ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای و انرژی و نقض اصل تفکیک

حملات رژیم اسرائیل و ایالات متحده در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان علیه تأسیسات هسته‌ای و نیروگاه‌های برق ایران، از منظر حقوق بین‌الملل نقض آشکار نظام بین‌المللی امنیت هسته‌ای و قواعد بشردوستانه است. قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت (UN Security Council, 1981, para. 3)، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای (CPPNM, 1979, art. 2)، کنوانسیون سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای (ICSANT, 2005, art. 4) و قطعنامه‌های آژانس (IAEA, 1990, para. 2) بر ممنوعیت حملات به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید دارند. ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول نیز حمله به تأسیسات دارای نیروهای خطرناک را در صورت ایجاد تلفات شدید غیرنظامی ممنوع کرده است (Additional Protocol I, 1977). معاهده پلین‌دایا (۱۹۹۶، ماده ۱۱) و موافقتنامه هند-پاکستان (۱۹۸۸) نیز به صراحت حمله به تأسیسات هسته‌ای را ممنوع اعلام کرده‌اند. حقوق عرفی نیز این ممنوعیت را تثبیت کرده است (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005, ص ۴۵).

حمله به نیروگاه‌های برق که ماهیت غیرنظامی دارند و برق بیمارستان‌ها و مراکز حیاتی را تأمین می‌کنند، نقض آشکار ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول و نیز

اصول فقهی اسلام است. در اسلام، حق حیات بنیادی‌ترین حق است (سوره مائده، آیه ۳۲) و هدف قرار دادن تأسیساتی که حیات غیرنظامیان را تهدید می‌کند، مصداق تجاوز و «اعتداء» ممنوع در آیه ۱۹۰ سوره بقره است. سیره امام علی علیه السلام نیز بر حمایت از مجروحان و منع تعرض به غیرنظامیان تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۹؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۳۳۹). آیه ۶۱ سوره نور نیز معیار مشارکت در جنگ را مشخص می‌کند که با اصل تفکیک در حقوق بین‌الملل همخوانی دارد (قربان‌نیا و اخگری بناب، ۱۳۹۰، ص ۹۵). همچنین حفاظت از محیط زیست در اسلام حتی در زمان جنگ مورد تأکید است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۹؛ فیرحی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳).

بنابراین، حملات مذکور از هر دو منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی غیرقانونی و ممنوع بوده و مصداق جنایات جنگی (ماده ۸ اساسنامه رم) است و آمران و عاملان آن دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی هستند.

در حقوق اسلام نیز معیار تفکیک بر مبنای «مشارکت مؤثر» و «مزیت نظامی» قابل تحلیل است. فقهای شیعه کشتن غیرنظامیان را ممنوع دانسته‌اند، مگر آن‌که در امور جنگی نقش مؤثر داشته باشند. صاحب جواهر الکلام می‌نویسد: «نعم اذا كان ذا رأى و قتال، قُتل اجماعاً» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۷۵). همچنین اگر غیرنظامیان سلاح به دست گرفته و بجنگند، حرمت کشتن آنان برداشته می‌شود. در موارد «تترس» نیز حمله به آن‌ها جایز شمرده شده است (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غزوه بنی‌نضیر اجازه دادند نخلستان‌های آنان تخریب شود که با اصل «مزیت نظامی» قابل تطبیق است. اشتراک این دو معیار نشان می‌دهد که اسلام بیش از چهارده قرن پیش، اصول انسانی جنگ را مطرح کرده است.





نتیجه‌گیری

اصل تفکیک، اصلی بنیادین در حقوق بشردوستانه و اسلام است. آیه ۱۹۰ سوره بقره با عبارت «وَلَا تَعْتَدُوا» مبنای منع تجاوز به اهداف غیرنظامی را فراهم می‌کند. هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای و نیروگاه‌های برق در جنگ رمضان توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، نقض آشکار این اصل و مصداق جنایت جنگی است. سکوت و انفعال مجامع بین‌المللی، این نقض‌ها را تسهیل کرده است. از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و شورای امنیت انتظار می‌رود به تعهدات خود عمل کرده و متجاوزان را محکوم و پاسخگو سازند، از جمله الزام به جبران کامل خسارات وارده، تا از فروپاشی نظام منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری شود.

منابع و مآخذ

قرآن مجید

۱. ابن ادریس، علی. (۱۴۱۰ق). السرائر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. اشعث کوفی، محمد. (۱۴۱۲ق). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
۳. بهرام پور، ابوالفضل. (۱۴۰۲ش). تفسیریک جلدی مبین. تهران: آوای قرآن.
۴. تقی زاده اکبری، علی. (۱۳۸۶ش). قوانین و مقررات جنگ و صلح در اسلام. ج ۱. تهران: زمزم هدایت.
۵. حرعاملی، شیخ محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۶. حلی، حسن بن یوسف. (۱۲۷۲ق). تذکره الفقها. تهران: بی نا.
۷. دشتی، محمد. (۱۳۷۹ش). نهج البلاغه. تهران: مشرقین.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷ش). تفسیر قرآن مهر. ج ۲. قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۹. روحانی، محمد صادق. (۱۳۹۲ش). فقه الصادق. ج ۲۶. قم: آیین دانش.
۱۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۳۸۸ش). مذهب الاحکام فی بیان حلال و حرام. ج ۱۵. قم: دارالتفسیر.
۱۱. شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی عشری. ج ۱. تهران: میقات.
۱۲. صدوق، محمد بن علی قمی. (۱۳۸۸ق). الامالی. قم: ذوی القربی.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۸ش). تفسیر المیزان. مترجمان صالحی کرمانی و خامنه ای. تهران: امیرکبیر.



۱۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۵ق). الاقتصاد الهادی إلى طريق الرشاد. تهران: کتابخانه جامع چهل ستون.
۱۵. عبدالفیاض جانحوری، عبدالاحمد. (۱۳۷۸ش). حقوق جنگ و صلح. تهران: وحدت.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۷ش). فقه سیاسی. ج ۵. تهران: امیرکبیر.
۱۷. فیرحی، داود. (۱۳۸۷ش). «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی». مجله سیاست، ۳۸ (۱): ۱۳۱-۱۶۰.
۱۸. قربانی نیا، ناصر؛ اخگری بناب، نادر. (۱۳۹۰ش). «عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای در پرتواصل تفکیک با رویکرد اسلامی». حقوق اسلامی، ۲۸ (۸): ۷۳-۱۰۳.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۴ش). تفسیر احسن الحدیث. ج ۷. تهران: بنیاد بعثت.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۳۱ق). فروع کافی. قم: دارالاضواء.
۲۱. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). مرآة العقول. ج ۲۶. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۱ش). گزیده دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام. قم: دارالحدیث.
۲۳. مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۴۶ش). مروج الذهب. مصر: مطبعه البیبه.
۲۴. مفید، محمد بن نعمان. (۱۳۶۷ش). الجمل. ترجمه مهدی دامغانی. تهران: نی.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۷ش). تفسیر نمونه. ج ۲. تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

۲۶. پیام امام امیرالمؤمنین (شرحی بر نهج البلاغه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۷. نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۴م). جواهرالکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

منابع لاتین

28. Additional Protocol I. (1977). Art. 56.
29. Bothe, M., Partsch, K. J., & Solf, W. A. (2019). New Rules for Victims of Armed Conflicts. Leiden: Nijhoff.
30. Convention Hague IV. (1907). Art. 25.
31. Dinstein, Y. (2016). The Conduct of Hostilities (3rd ed.). Cambridge UP.
32. Henckaerts, J. -M., & Doswald-Beck, L. (2005). Customary IHL. Vol. I. Cambridge UP.
33. IAEA. (1990). GC(XXXIV)/RES/533, para. 2.
34. ILA Study Group. (2017). Conduct of Hostilities, 93(322), 327-328.
35. Jeanne, M. (2001). Air Force Law Review, 51(1), 164-182.
36. Kolb, R. (2010). IRRC, 37(320), 553-561.
37. Kurando, M. (2023). Int. J. Nuclear Security, 8(2), 1-14.
38. Lieber, F. (1863). Instructions for the Government of Armies. Gen. Orders No. 100.
39. Oppenheim, L. (1952). International Law (7th ed., Vol. II). London: Longman.
40. Pelindaba Treaty. (1996). Art. 11.
41. Rovine, A. (1973). AJIL, 67(118), 122-141.
42. Sassoli, M. (2002). IRRC, 84(1), 846-864.
43. Sassoli, M. (2019). IHL: Rules, Controversies. Edward Elgar.
44. Schmidt, M. (2010). Int. Law & Politics, 42(2), 739-316.
45. Schmitt, M. N. (1998). In Liber Amicorum Grunawalt, pp.204-207.
46. Swiney, G. (2005). The International Lawyer, 39(3), 733-758.
47. The Laws of War on Land. (1880). Oxford Manual.

The ethics of war in the Quran and the life of the Prophet (PBUH); Applying the ethics of war and humanitarian rules in the Twelve Days and Ramadan wars

Azizullah Mohammadi

Master's degree from the Institute of Humanities, Al-Mustafa University,
Qom

mohammadi11@gmail.com

Abstract

The purpose of this article is to examine the ethics of war in the Quran, the Prophet's life, and humanitarian rules, and to apply them to the "Twelve-Day War" and the "Ramadan War." This research employs a descriptive-analytical method to define the above concepts and evaluate the performance of Iran versus the United States and Israel in these conflicts, based on objective, news, and field observations from the perspective of ethics and humanitarian rules. The main hypothesis posits that Iran is in a defensive position responding to aggression, while the US and Israel are in an offensive position abusing valuable human concepts such as peace and negotiation. The research findings demonstrate that in the Quran and the Prophet's life, the ethics of war, the rights of civilians, and the protection of public property hold a special place. Additionally, the statements of the martyred Imam regarding defense and resistance indicate a justice-centered and God-centered approach. Iran's performance is characterized by defensiveness, war in God's path, proportionate response, and adherence to principles and justice, whereas the opposing side initiated both wars and committed breach of promise, aggression, war crimes, and terror.

Keywords: War Ethics, Prophet's Life, Humanitarian Rules, Just Defense, War Crime

أخلاقيات الحرب في القرآن الكريم وسيرة النبي محمد صلى الله عليه وسلم؛ تطبيق أخلاقيات الحرب والقواعد الإنسانية في حروب الاثني عشر

يومًا ورمضان

عزير الله محمدي

حاصل على درجة الماجستير من معهد العلوم الإنسانية، جامعة المصطفى، قم

mohammadi11@gmail.com

الملخص

يهدف هذا المقال إلى دراسة أخلاقيات الحرب في القرآن وسيرة النبي والقواعد الإنسانية، وتطبيقها على "حرب الاثني عشر يوماً" و"حرب رمضان". يستخدم هذا البحث المنهج الوصفي-التحليلي لتعريف المفاهيم المذكورة وتقييم أداء إيران مقابل الولايات المتحدة وإسرائيل في هذه الحروب، بناءً على المشاهدات الموضوعية والإخبارية والميدانية من منظور الأخلاق والقواعد الإنسانية. الفرضية الرئيسية هي أن إيران في موقف دفاعي يرد على العدوان، بينما الولايات المتحدة وإسرائيل في موقف عدواني يساء استخدام مفاهيم إنسانية قيمة كالسلام والتفاوض. تظهر نتائج البحث أن أخلاقيات الحرب وحقوق المدنيين وحماية الممتلكات العامة تحتل مكانة خاصة في القرآن وسيرة النبي. كما تشير تصريحات الإمام الشهيد حول الدفاع والمقاومة إلى نهج يركز على العدالة والله. يتميز أداء إيران بالدفاعية، والحرب في سبيل الله، والرد المتناسب، والالتزام بالمبادئ والعدالة، بينما بدأ الطرف المقابل كلا الحربين وارتكب نقض العهد والعدوان وجرائم الحرب والإرهاب.

الكلمات المفتاحية: أخلاقيات الحرب، سيرة النبي، القواعد الإنسانية، الدفاع المشروع، جريمة الحرب

اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر ﷺ: تطبیق اخلاق جنگ و قواعد بشردوستانه در جنگ‌های دوازده‌روزه و رمضان

عزیزالله محمدی

کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل مؤسسه علوم انسانی جامعه المصطفی قم، ایران

mohammadi11@gmail.com

چکیده

هدف این مقاله بررسی اخلاق جنگ در قرآن، سیره پیامبر و قواعد بشردوستانه و تطبیق آن بر «جنگ دوازده‌روزه» و «جنگ رمضان» است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، مفاهیم فوق را تعریف کرده و عملکرد ایران در برابر آمریکا و اسرائیل را براساس مشاهدات عینی، خبری و میدانی از منظر اخلاق و قواعد بشردوستانه ارزیابی می‌کند. فرضیه اصلی آن است که ایران در موضع دفاع و پاسخ به تجاوز قرار دارد، در حالی که آمریکا و اسرائیل در موضع تجاوز و سوءاستفاده از مفاهیم ارزشمندی چون صلح و مذاکره هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد در قرآن و سیره پیامبر، اخلاق جنگ، حقوق غیرنظامیان و حفاظت از اموال عمومی جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین فرمایشات امام شهید درباره دفاع و مقاومت، حاکی از عدالت محوری و خدامحوری است. خلاصه عملکرد ایران عبارت است از: دفاعی بودن، جنگ در راه خدا، پاسخ در برابر تعدی و پایبندی به اصول و عدالت جنگی. اما طرف مقابل در هر دو جنگ آغازگر بوده و مرتکب بدعهدی، تجاوز، جنایت جنگی و ترور شده است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق جنگ، سیره پیامبر، قواعد بشردوستانه، دفاع مشروع، جنایت جنگی



۱. مقدمه

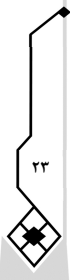
یکی از مسائل مهم حقوق بشری، مراعات اخلاق و قواعد جنگ است که حاکی از باورمندی به کرامت انسانی و حقوق بشر است. قوانین بین‌المللی در منازعات سه محور نسل‌زدایی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت را مشخص کرده‌اند که در صورت ارتکاب، کشور یا گروه خاطی باید پاسخ‌گو باشد. در جنگ‌های مورد نظر، تحقیق درباره تخطی‌ها و جنایات جنگی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا ایران در حالی مورد تهاجم قرار می‌گیرد که حل مسئله را از طریق دیپلماسی دنبال می‌کند. از این جهت، ایران در موضع دفاع در برابر دشمنی قرار دارد که حاکمیتش حین مذاکره مورد تعرض قرار گرفته است. از طرفی، آمریکا خود را سردمدار حقوق بشر و مدافع دیپلماسی، آزادی و آبادانی می‌داند.

در موضوع نگاه اسلام به جنگ، قواعد بشردوستانه و جنایات جنگی تحقیقات زیادی صورت گرفته است؛ اما این مقاله با محور قرار دادن اخلاق جنگ و تطبیق آن با عملکرد اطراف منازعه در «جنگ دوازده‌روزه و رمضان»، دارای نوآوری و نگرش جدید است.

۲. تعریف مفاهیم

۱-۲. اخلاق

اخلاق از نظر لغوی، در قرآن به «دأب»، روش و منش تعبیر شده است؛



چنان‌که قرآن عادت و اخلاق کافران را به عادت و روش آل فرعون تشبیه می‌کند: «كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ...» (آل عمران، ۱۰). راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن، اخلاق را به آنچه انسان از فضیلت کسب می‌کند، تعریف کرده است: «وَالْخَلَقُ: مَا أَكْتَسَبَهُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْفَضِيلَةِ بِخَلْقِهِ» (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۷). در اصطلاح، شایع‌ترین تعریف اخلاق، صفات نفسانی راسخ و پایداری است که موجب می‌شوند افعال متناسب با آن، به سهولت و بدون نیاز به تأمل از انسان صادر شود (مسکویه، بی‌تا، ص ۵۱). مطهری در کتاب آشنایی با علوم اسلامی به تعریفی معتقد است که هم به چگونگی «اعمال و رفتار انسان» و هم به چگونگی بودن «صفات و ملکات نفسانی» توجه دارد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

۲-۲. جنگ

جنگ در لغت به معنای ستیزه و پیکار است. در اصطلاح، طبق آنچه میان دانشمندان علوم سیاسی و نظامی مشهور است، جنگ از ریشه آلمانی «wera» به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) است. بنابراین، جنگ ستیزه‌ای خشن و منظم است که بین دو یا چند اجتماع مستقل شکل می‌گیرد (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۴۹۹).

۳-۲. سیره پیامبر ﷺ

به نوع رفتار و روش عملی پیامبر در جنبه‌های مختلف زندگی، «سیره» گفته

می شود (مطهری، ۱۴۰۲، ص ۴۹-۵۰). قرآن کریم پیامبر را سرمشقی نیکو برای مؤمنان معرفی نموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) تا در کارهای خود از او تبعیت کنند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴). هدف ما در این مقاله، بررسی سیره پیامبر در جنگ است.

۲-۴. قواعد بشردوستانه

قواعد بشردوستانه عبارت است از مجموعه مقررات و قوانینی که به منظور کاستن از ضایعات و خسارات جنگ تنظیم شده است (محقق داماد، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷-۲۰۹). بارزترین تفاوت قواعد بشردوستانه با حقوق بشردر این است که قواعد بشردوستانه ناظر به زمان جنگ است، اما حقوق بشردوستانه مقرراتی است که به تأمین حقوق انسان ها در زمان صلح می پردازد.

۳. تبیین جنگ در قرآن و سیره پیامبر

۱-۳. تبیین جنگ در قرآن

در قرآن کریم از سه جنگ «بدر، احزاب و حنین» نام برده شده است. اسلام ابتدا سر جنگ با کسی ندارد، مگر آن که جنگ براو تحمیل شود که در ادبیات شرع به آن «جهاد دفاعی» گفته می شود. در اصول جنگی قرآنی، به اخلاق جنگ نهایت توجه شده است؛ چنان که از تعدی و تجاوز ناروا، حتی در حریم دشمن، منع می کند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰). از این آیه نکاتی به دست می آید: جنگ باید برای خدا



باشد، در برابر متجاوز باشد و سربازان اسلام از حد تجاوز نکنند. از نظر اسلام، در قواعد جنگی، نابود کردن باغ‌ها و مزارع، تخریب اماکن قابل استفاده و توسل به سلاح‌های کشتار جمعی، همه از مصادیق تعدی بر بی‌گناهان و انتخاب روش‌های غیرانسانی و ممنوع است. اسلام تعدی و تجاوز دشمن را همانند خودش پاسخ می‌دهد: «... فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره، ۱۹۴). همچنین آیه «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ... أَنْ تَعْتَدُوا...» (مائده، ۲) بر عدم تعدی حتی نسبت به دشمنان تأکید دارد.

در اسلام، عدالت یکی از مسائل مهم معرفتی و مبنایی است و تعدی به منافع ملت‌ها را نمی‌پذیرد، حتی اگر در عقیده و رفتار همسان نباشند. این آیات همگی حکایت از اصل عدالت، احترام به انسان، حق حیات و حسن همزیستی دارد؛ مگر آن‌که ملت مسلمان مورد ظلم و تجاوز قرار گیرد که در این صورت، دفاع، مقابله به مثل و بازدارندگی ضروری می‌شود.

۲-۳. تبیین جنگ در سیره پیامبر

هرچند بسیاری از محققان اسلامی جهاد را به «ابتدایی و دفاعی» تقسیم کرده‌اند، اما در واقع حتی جهاد ابتدایی نیز دفاعی است؛ زیرا تهدید دشمن یا بالقوه است یا بالفعل. پیامبر اکرم در هر جنگی، ابتدا فرماندهان و سپاهیان را فرا می‌خواند و آنان را موعظه می‌کرد: به نام خدا حرکت کنید، برای او و آیینش جهاد کنید.



از نگاه بی طرف، هیچ تجسمی بهتر از رفتار ترامپ و نتانیاهو نمی تواند زیر پا گذاشتن قواعد و اخلاق جنگ و قانون جنگل را معنا کند. آنان با پنهان شدن پشت مفاهیمی چون صلح، حقوق بشر و آزادی، دست به تزویر، ترور و جنایت می زنند.

پیران، اطفال و زنان را به قتل نرسانید؛ عابدان و رهبانان را نکشید؛ درختان را از بن برنکنید مگر در ناچاری؛ هرگز آب دشمن را با زهر آلوده نسازید و حیوانات حلال گوشت را نابود نکنید مگر به نیاز. خود آن حضرت هرگز شبیخون بردشمن نمی زد و «جهاد با نفس» را جهاد اکبر می دانست (قمی، ۱۴۰۲، ص ۱۶).

امام و قائد شهید نیز بارها اذعان داشت که ایران دنبال جنگ نیست، اما به هر تجاوزگری ضربه ای محکم می زند. تارنمای «المنار» لبنان به مناسبت سالروز بازگشت امام راحل به ایران، نوشت که رهبری انقلاب اسلامی تأکید کرد ملت با قدرت به هرگونه تجاوزی پاسخ می دهد. فرمایشات امام شهید همواره در امتداد بیان قرآنی و سیره نبوی بوده است.

در روایات اسلامی، از شکستن پیمان و نقض عهد با واژگان «غدر، فتک و اغتیال» یاد شده که از آن به شدت نهی شده است.

۳-۲-۱. غدر

غدر در لغت به معنای نقض عهد، وفا نکردن به قرارداد و سوءاستفاده از پیمان و اعتماد است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ص ۳۶). در مفردات، غدر به



اخلال در چیزی و ترک آن معنا شده است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۴). در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که خداوند فرمود: سه کسند که من در روز قیامت دشمن آنانم... کسی که به من ایمان آورد سپس پیمان شکند... (زحیلی، ۱۴۰۹، ص ۶۰).

۳-۲-۲. فتک

فتک در لغت به معنای قتل ناگهانی و غافل‌گیرانه است. در مجمع‌البحرین آمده: «فتک... إنتهز منه فرصة فقتله أو جرحه مجاهرة أو أعم» (طریحی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۵)؛ یعنی کشتن ناگهانی، یا حمله و زخمی کردن طرف مقابل، چه به صورت آشکار یا پنهان.

۳-۲-۳. اغتیال

اغتیال به معنای خدعه و نیرنگ است که در آن بردن شخص به مکانی مخفی ملاحظه شده است. در تهذیب‌اللغة آمده: «اغتیال آن است که انسان با مکرو خدعه کسی را به مکان مخفی ببرد، سپس او را به قتل برساند» (ازهری، ۱۴۲۱، ص ۸). در اصطلاح نیز به معنای حيله و نیرنگ برای تسلط پنهانی بر چیزی است (دمشقی، ۱۹۹۵، ص ۱۲۳). تفاوت اغتیال با فتک در آن است که اغتیال بیشتر در مورد کشتن پنهانی و مخفیانه به کار می‌رود، اما فتک معنایی عام دارد و هم حالت مخفی و هم علنی را شامل می‌شود.

۴. تطبیق جنگ در قرآن و سیره پیامبر با جنگ دوازده روزه و جنگ رمضان

طبق موازین قواعد جنگی در اسلام و با توجه به آیات و سیره نبوی، جنگ ایران در برابر دشمن صهیونیستی و آمریکا مشروع و حق است؛ زیرا هم جنبه دفاعی دارد و هم مبتنی بر حقوق و قواعد جنگ است.

در «جنگ دوازده روزه و رمضان»، دشمن صهیونیستی-آمریکایی به خاک ایران تجاوز کرده و مرتکب جنایت و حمله مرگ بار شد. جمهوری اسلامی ایران، با استناد به «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ»، در واکنش به این حملات، خاک اسرائیل و پایگاه های آمریکایی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را هدف حملات موشکی و پهپادی قرار داد و با توجه به «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»، اهداف مشروع خود را منهدم کرد.

در هردو جنگ، از جانب آمریکا و اسرائیل «غدر و بدعهدی» صورت گرفته است. توافق برگفت وگو، خود نوعی عهد و پیمان محسوب می شود؛ تا زمانی که طرفین در گفت وگو به دنبال راه حل هستند، توسل به گزینه نظامی خلاف حقوق و آداب جنگ است. در هردو جنگ، در زمان مذاکره با نماینده رسمی جمهوری اسلامی ایران، طرف مقابل مرتکب غدر و اغتیال شد.

دشمن در هردو جنگ ناقض حقوق جنگ و قواعد بشردوستانه بوده است. هدف قرار دادن «ناودنا» که در حال انجام یک مأموریت غیرنظامی بود، تخطی از قواعد و اخلاق جنگ است. هدف قرار دادن مدرسه میناب و شهادت ۵۱۷ تن از

دانش‌آموزان بی‌گناه، جنایت جنگی و نقض آشکار وجدان انسانی بود. حمله به منازل مسکونی و به شهادت رساندن افراد ملکی بی‌گناه، خسارت به اموال عمومی، هدف قرار دادن منبع آب شیرین در قشم، و حمله به مخزن نفت در تهران از دیگر جنایات جنگی است. پخش مواد سمی ناشی از آتش‌سوزی نیز جنایت مضاعفی بود که سلامت مردم را در معرض خطر قرار داد. اتحاد بین‌المللی وکلا (UIA) این حمله را برخلاف اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل دانسته و از موضع دبیرکل سازمان ملل مبنی بر توقف فوری این تجاوز حمایت کرده است (خبرگزاری صدا و سیما؛ <https://eitaa.com/iribnews/13951/1>).

در جنگ اخیر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همان‌گونه که آغازگر جنگ نبود، در حین جنگ نیز زمانی که طرف مقابل به «پالایشگاه نفت و گاز پارس جنوبی» حمله کرد، پاسخ متقابل داد و پالایشگاه‌های دشمن و اهداف نفتی مرتبط با آمریکا و اسرائیل را در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، از باب «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»، هدف قرار داد. در غیر این صورت، سپاه پیش از آن به صراحت اعلام کرده بود که قصد توسعه جنگ به تأسیسات نفتی را ندارد.

در نتیجه، جنگ در قرآن و سیره پیامبر و نیز در فرمایشات امامین انقلاب، ماهیتی دفاعی دارد و تعدی و تجاوز دشمن باید با پاسخ درخور و مقابله به‌مثل جبران شود. در هردو جنگ اخیر با رعایت اخلاق و قواعد جنگی، با قدرت و کوبندگی به تعدی آمریکا و اسرائیل پاسخ داده شد؛ در حالی که طرف مقابل مرتکب تخلفات فراوان حقوق بشری و نقض عهد و اخلاق جنگی شده است.

منابع و ماخذ

- قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه، احمد بن علی. (۱۳۹۳). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. چاپ ۸. قم: زاهدی.
۳. ابن عساکر دمشقی. (۱۹۹۵). تاریخ مدینه. چاپ ۱. دمشق: دارالفکر.
۴. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. چاپ ۱. بیروت: الدار الشامیه.
۶. بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. چاپ ۲. تهران: کیهان.
۷. زحیلی، وهبه. (۱۴۰۹ق). الفقه الاسلامی وادلتہ. چاپ ۴. دمشق: دارالفکر.
۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (جلد ۵). چاپ ۵. بیروت: عالم الكتاب.
۹. طریحی، فریدالدین. (۱۳۸۵). مجمع البحرين. چاپ ۴. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. قمی، شیخ عباس. (۱۳۹۰). منتهی الآمال (جلد ۱). چاپ ۱۵. تهران: مبین اندیشه.
۱۱. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۵). The formulation of international humanitarian law and its Islamic concept. تحقیقات حقوقی، ۱ (۱۸).
۱۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). آشنایی با علوم اسلامی. چاپ ۱. تهران: صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا.



An Analysis of the Philosophy of Jihad in the Ramadan War Based on the Teachings of the Holy Quran

Ali Asghar jafari valani

Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Shahid
Motahari University
jafari_valani@motahari.ac.ir

Fatemeh AminiPouya

M.A. in Islamic Philosophy and Theology, University of Tehran,
f.aminipouya@ut.ac.ir

Abstract

This article examines the philosophy of Jihad in the Holy Quran to address the fundamental question of whether Jihad is inherently a defensive concept or a tool for spreading violence. Through a descriptive-analytical approach and a semantic analysis of the term "*Jihad*," it is demonstrated that the concept encompasses a spectrum of actions in the Quran, ranging from internal, ethical striving to military combat. The findings indicate that military jihad is legitimate only when confronting oppression and aggression. By examining the "Ramadan War" (tensions involving Iran, the United States, and the Zionist regime), this article analyzes the two narratives of legitimate resistance and the justification of violence; it concludes that the defense undertaken by the Islamic Republic of Iran—characterized by adherence to ethical principles and resistance against aggressors—can be regarded as an instance of defensive jihad within the framework of Quranic criteria.

Keywords: Defensive jihad, Holy Quran, Ramadan War, opposition to oppression, ethics of war, legitimate defense.



تحليل لفلسفة الجهاد في حرب رمضان استناداً إلى تعاليم القرآن الكريم

على اصغر جعفرى ولنى

أستاذ مشارك، قسم الفلسفة وعلم الكلام الإسلامي، جامعة الشهيد مطهري

jafari_valani@motahari.ac.ir

فاطمة امينى پويا

ماجستير في الفلسفة وعلم الكلام الإسلامي، جامعة طهران

f.aminipouya@ut.ac.ir

ملخص

يتناول هذا المقال فلسفة "الجهاد" في القرآن الكريم، وذلك لمعالجة السؤال الجوهرى حول ما إذا كان الجهاد مفهوماً دفاعياً بطبيعته أم أداةً لنشر العنف. ومن خلال اعتماد المنهج الوصفى التحليلي وإجراء تحليل دلالي لمصطلح "الجهاد"، تُبين الدراسة أن هذا المفهوم يشمل طيفاً واسعاً من الأفعال، بدءاً من السعي الأخلاقي الداخلي ووصولاً إلى القتال العسكري. وتُشير النتائج إلى أن الجهاد العسكري لا يُشرعن إلا في مواجهة الظلم والعدوان. يتناول هذا المقال "حرب رمضان" (التوترات التي شملت إيران والولايات المتحدة والكيان الصهيوني) ويحلل روايتين متناقضتين: المقاومة المشروعة مقابل تبرير العنف. ويخلص المقال إلى أن الدفاع الذي قامت به الجمهورية الإسلامية الإيرانية — المتركز على الالتزام بالمبادئ الأخلاقية ومقاومة المعتدين — يمكن اعتباره نموذجاً لـ "الجهاد الدفاعي" (Jihad-e Defa'i) "في إطار المعايير القرآنية". الكلمات المفتاحية: الجهاد الدفاعي، القرآن الكريم، حرب رمضان، مناهضة الظلم، أخلاقيات الحرب، الدفاع المشروع.

تحلیل فلسفه جهاد در جنگ رمضان برمبنای آموزه‌های قرآن کریم

علی اصغر جعفری ولنی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

jafari_valani@motahari.ac.ir

فاطمه امینی پویا

کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

f.aminipouya@ut.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی فلسفه جهاد در قرآن کریم می‌پردازد تا به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که آیا جهاد در ذات خود مفهومی دفاعی است یا ابزاری برای گسترش خشونت. با روش توصیفی تحلیلی و با واکاوی معناشناختی واژه «جهاد»، نشان داده می‌شود که این مفهوم در قرآن طیفی از تلاش درونی و اخلاقی تا مبارزه نظامی را در بر می‌گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که جهاد نظامی تنها در مواجهه با ظلم و تجاوز مشروعیت می‌یابد. در این مقاله با بررسی «جنگ رمضان» (تنش‌های میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی)، دوروایت مقاومت مشروع و توجیه خشونت را تحلیل کرده و به این نتیجه می‌رسد که دفاع جمهوری اسلامی ایران، به دلیل پایبندی به اصول اخلاقی و دفاع در برابر متجاوزان، می‌تواند مصداقی از جهاد دفاعی در چارچوب معیارهای قرآنی تلقی شود.

کلیدواژه‌ها: جهاد دفاعی، قرآن کریم، جنگ رمضان، ظلم‌ستیزی، اخلاق جنگ، دفاع مشروع

مقدمه

مفهوم «جهاد» از بنیادی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین مفاهیم در اندیشه اسلامی است؛ مفهومی که میان دو قرائت متفاوت در نوسان قرار دارد: قرائتی که آن را تلاشی برای رفع موانع هدایت می‌داند و قرائتی که آن را ابزاری برای گسترش خشونت معرفی می‌کند. این دوگانگی نه تنها میان اندیشمندان غربی، بلکه میان برخی مفسران مسلمان نیز محل بحث بوده است.

قرآن کریم، به عنوان متن بنیادین اسلام، مفهوم جهاد را در بافت‌ها و سیاق‌های گوناگون به کار برده است؛ از تلاش اخلاقی و درونی برای اصلاح نفس گرفته تا مقاومت در برابر ظلم و تجاوز. در شرایط معاصر، به ویژه در پرتوتنش‌هایی که در برخی گفتمان‌ها با عنوان «جنگ رمضان» شناخته می‌شود، بازخوانی دقیق این مفهوم اهمیتی دوچندان یافته است. از این رو، این مقاله می‌کوشد با رویکردی تحلیلی، فلسفه جهاد در قرآن را بازخوانی کرده و نسبت آن را با برخی منازعات معاصر مورد بررسی قرار دهد. پرسش اصلی؛ در این تحقیق، این است که فلسفه جهاد در قرآن کریم بر چه مبنایی استوار است و چگونه می‌توان آن را بر منازعات معاصر تطبیق داد؟

و در ابعاد فرعی، گونه‌شناسی جهاد در قرآن کریم شامل چه ابعادی است؟ چه عواملی منجر به سوء برداشت از مفهوم جهاد و تبدیل آن به خشونت می‌شود؟ و آیا اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جنگ رمضان با معیارهای جهاد قرآنی

هم خوانی دارد؟

روش تحقیق در این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصیل و حیانی (قرآن کریم) و تفاسیر معتبر اسلامی (نظیر التبیان و بحار الانوار) انجام شده است. در این مقاله، مفاهیم کلیدی ابتدا از منظر معناشناختی بررسی شده و سپس با استفاده از چارچوب نظری «دفاع مشروع در اسلام» بر برخی مصادیق عینی در منازعات معاصر تطبیق داده شده‌اند.

۱) جهاد در قرآن؛ معناشناسی و گونه‌شناسی

واژه «جهاد» از ریشه «ج-ه-د» به معنای «بذل نهایت توان» است. این واژه در قرآن در معانی مختلفی به کار رفته است. بررسی آیات نشان می‌دهد که جهاد را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱-۱) جهاد نفس

مبارزه با تمایلات درونی و اصلاح اخلاقی. در قرآن کریم، واژه‌های جهاد و نفس گاه به طور جداگانه و در برخی موارد در کنار یکدیگر آمده‌اند. در برخی روایات نیز جهاد نفس بالاتراز جهاد با کفار ذکر شده است. درباره دشواری جهاد نفس گفته‌اند که مردم به طور عادی یک بار می‌میرند، ولی کسی که در مسیر جهاد نفس و مبارزه با شیطان و هواهای نفسانی خود قرار می‌گیرد، روزی هفتاد بار می‌میرد (مجلسی، ۱۳۷۱: ج ۷۴، ص ۲۴).



۲-۱) جهاد تبلیغی

تلاش برای رساندن پیام حق. در هنگام جهاد، صواب است رزمندگان اسلام از شعارها و علائمی که نوعی تبلیغات جنگی محسوب می شود، استفاده کنند. شعار در واقع نشانه جبهه حق و مبتین اهداف جهاد است.

۳-۱) جهاد نظامی

مقابله با دشمنان در شرایط خاص، که خود می تواند شامل دفاع از خود یا دفاع از دیگران باشد. در برخی نوشته ها از این جهاد با عنوان جهاد ابتدایی یاد می شود. از مهم ترین آیات قرآن در این باب، آیه ۳۹ سوره مبارکه حج است که می فرماید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ به آنان که مورد تهاجم دشمن و جنگ قرار گرفته اند، اجازه جهاد داده شده است و خداوند بریاری آنان تواناست. در ادامه می فرماید: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»؛ همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود، بدون هیچ دلیلی، اخراج شدند، جزاینکه می گفتند پروردگار ما الله (خدای یکتا) است.»

در این جا نشان داده می شود که آغاز جهاد، جهاد دفاعی در برابر دشمن بوده است؛ همان دشمنانی که مسلمانان را مجبور به هجرت و ترک خانه های خود کرده بودند، بی آنکه گناهی داشته باشند.

در بخشی دیگر از جهاد نظامی، قرآن کریم به جهاد برای حمایت از مستضعفان اشاره می کند؛ آن جا که در آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ

يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان مظلومانی که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از سوی خود سرپرست و یآوری قرار ده»

در این آیه نخست دعوت به جهاد در راه خدا شده و سپس سخن از مستضعفان و مظلومانی به میان آمده است که دشمن سنگ دل آنان را چنان تحت فشار قرار داده که ناچار به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند.

البته به نظر می‌رسد که این دو در واقع به یک معنا بازمی‌گردد؛ چراکه یاری این‌گونه مظلومان مصداق روشن جهاد فی سبیل الله است.

نکته مهم این است که جهاد نظامی تنها بخشی از این مفهوم گسترده است و نه تمام آن. قرآن در بسیاری از آیات بر جنبه‌های غیرخشونت‌آمیز جهاد تأکید می‌کند؛ مانند آیه ۵۲ سوره مبارکه فرقان که به جهاد فرهنگی و فکری اشاره دارد؛ «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس، از کافران پیروی نکن و به وسیله قرآن (یا ترک پیروی از آنان) با آنان به جهادی بزرگ پرداز»

در تفسیر این آیه می‌توان گفت که برخورد با کافران، حداقل دو مرحله دارد:

(۱) عدم اطاعت از آنان (فلا تطع)

(۲) مبارزه و جهاد با آنان (وجاهد هم).

جهاد در قرآن نیز دارای چند قسم است: جهاد با شمشیر که همان جهاد



نظامی است و در برخی تفاسیر به جهاد اصغر تعبیر می‌شود. البته در این جا منظور از جهاد همان جهاد تبلیغی یا جهاد علمی است که با منطق قرآن و پاسخ دادن به شبهات کافران، با آن‌ها مبارزه می‌شود و در برخی تفاسیر به جهاد اکبر تعبیر می‌گردد (ر.ک، طوسی، بی تا: ج ۷، ص ۴۹۸)

۲) فلسفه جهاد نظامی: دفاع یا تهاجم؟

یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌ها درباره جهاد، ماهیت آن است: آیا جهاد ماهیتی دفاعی دارد یا تهاجمی؟
بررسی آیات قتال نشان می‌دهد که جهاد نظامی در قرآن با شروط و قیود مشخصی همراه است:

- ۱-۲) دفاع در برابر تجاوز؛ «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» (حج، ۳۹)
- ۲-۲) مقابله با فتنه و سلب آزادی دینی؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ». (بقره، ۱۹۳)
- ۳-۲) رعایت حدود اخلاقی در جنگ؛ عدم تجاوز به منظور منع کشتن غیرنظامیان.

این آیات نشان می‌دهد که جهاد در اصل، پاسخ به شرایطی است که در آن، حق انتخاب و عدالت مورد تهدید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که فلسفه اولیه جهاد، رفع موانع دعوت و دفاع از کرامت انسانی است، نه گسترش خشونت.

۳) امکان سوء برداشت؛ از جهاد تا خشونت مقدس

با وجود چارچوب‌های اخلاقی و محدودکننده در قرآن، تاریخ نشان داده است که مفهوم جهاد می‌تواند دستخوش سوء برداشت شود. این امر معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که:

اولاً: متون دینی بدون توجه به سیاق تاریخی تفسیر شوند؛ به این معنا که به شأن نزول آیات یا روایات معصومین علیهم‌السلام در آن باب توجهی نشود.

ثانیاً: قدرت‌های سیاسی از دین برای مشروعیت بخشی به اهداف خود استفاده کنند؛ بدین معنا که از ظاهر برخی آیات برای منافع سیاسی سوء استفاده شود، بدون توجه به منظور و حقیقت اصلی آیات.

ثالثاً: مرز میان دفاع و تهاجم مخدوش شود و نتوان این دو را از یکدیگر تمییز داد.

البته در چنین شرایطی، جهاد از یک مفهوم اخلاقی-دفاعی به ابزاری برای خشونت تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که منتقدان اسلام بر آن تأکید می‌کنند، در حالی که بسیاری از اندیشمندان مسلمان آن را انحراف از روح قرآن می‌دانند.

۴) جهاد و عدالت؛ در نسبت با نظم جهانی

یکی از وجوه مهم فلسفه جهاد، پیوند آن با عدالت است و قرآن بارها تأکید می‌کند که حتی در جنگ، عدالت باید رعایت شود. از این رو، این اصل جهاد را از یک کنش صرفاً نظامی به یک مسئولیت اخلاقی تبدیل می‌کند. در این





چارچوب، جنگ تنها زمانی مشروع است که:
اولاً برای رفع ظلم باشد؛ ثانیاً به حداقل خشونت منجر شود؛ و ثالثاً هدف آن
برقراری صلح عادلانه باشد.

۵) بازخوانی جهاد در پرتو منازعات معاصر (جنگ رمضان)

در تحلیل منازعاتی که میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفته و
گاه در ادبیات سیاسی به «جنگ رمضان» تعبیر می شود، مفهوم جهاد بار دیگر به
کانون توجه بازگشته است. در این فضا، دو نوع روایت قابل مشاهده است:
۱-۵) روایت اول (دفاعی) جهاد به عنوان مقاومت در برابر سلطه، دفاع از
استقلال و مقابله با ظلم.

۲-۵) روایت دوم (انتقادی) جهاد به عنوان پوششی برای گسترش نفوذ و
تشدید درگیری ها.

واقعیت آن است که تطبیق مفهوم قرآنی جهاد با این منازعات، نیازمند دقت
بسیار است. اگر معیارهای قرآنی، مانند دفاعی بودن، رعایت عدالت و پرهیز از
تجاوز، ملاک قرار گیرند، بسیاری از اقدامات خشونت آمیز ممکن است خارج از
چارچوب جهاد مشروع قرار گیرند. بنابراین، استفاده از مفهوم جهاد در گفتمان
سیاسی هم می تواند الهام بخش مقاومت مشروع باشد و هم در صورت
سوءاستفاده، به چرخه ای از خشونت دامن بزند. اما نکته حائز اهمیت و قابل
توجه آن است که این جنگ، با بررسی های عمیق تر، می تواند مصداقی دقیق از

جهاد در مقام دفاع باشد؛ چراکه در ابتدای امر، کشوری مسلمان تحت تهاجم نیروهای خارجی با نیت تسلط بر آن قرار گرفته است و طبق آیات قرآنی و مباحث روایی، جهاد در مقابل این بیگانگان می‌تواند مصداقی دقیق از این قسم باشد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که جهاد در قرآن، مفهومی چندبعدی و در اصل اخلاق‌محور است که تنها در شرایط خاص به صورت نظامی تجلی می‌یابد. فهم صحیح این مفهوم، مستلزم توجه به کل‌نگری در آیات قرآن و پرهیز از تفسیرهای تقلیل‌گرایانه است. همچنین، در مواجهه با منازعات معاصر، بازگشت به اصول بنیادین قرآن، از جمله عدالت، کرامت انسانی و عدم تجاوز، می‌تواند الگویی برای تمایز میان جهاد مشروع و خشونت نامشروع باشد.

در برابر تجاوزات نیز، نکته اصلی آن است که برای تحقق مصداق جهاد در این امر، لازم است اصول اخلاقی مورد نظر قرآن کریم، مانند عدالت، از سوی مسلمانان جهادگر مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، هدف قرار ندادن مناطق مسکونی یا توجه به اصول اخلاقی در برابر اسرا و اموری از این قبیل، که در این جنگ از سوی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه ویژه بوده است. این همان اصولی است که قرآن کریم در امر جهاد به مسلمانان توصیه کرده است و مسلمانان می‌بایست آن را رعایت کنند. گرچه در تجاوزات صورت گرفته از سوی جبهه مقابل، این نکات دیده نمی‌شود. مهم‌ترین مصداق آن نیز در جنگ رمضان، هدف قرار گرفتن مناطق غیرنظامی، از جمله دبستان شجره طیبه در شهرستان میناب، بود که باعث به شهادت رسیدن بیش از ۱۶۰ دانش‌آموز بی‌گناه





و نیز هدف قرار گرفتن مراکز درمانی، مراکز آموزشی و تربیتی و... توسط رژیم صهیونیستی و آمریکا شد.

بحث

در بررسی نسبت میان جهاد و عدالت، مشخص می شود که جهاد در قرآن یک مسئولیت اخلاقی است، نه یک کنش صرفاً نظامی. هدف نهایی، نه نابودی دشمن، بلکه برقراری صلحی عادلانه است. در جنگ رمضان، تفاوت اصلی در «رعایت اصول اخلاقی» نهفته است. جمهوری اسلامی با پرهیز از حمله به مناطق مسکونی، مدارس، مراکز درمانی و دیگر نهادهای مدنی، روح جهاد قرآنی را حفظ کرده است؛ در حالی که جبهه مقابل با حمله به «دبستان شجره طیبه میناب» و شهادت بیش از ۱۶۰ دانش آموز، و نیز هدف قرار دادن مراکز درمانی، عملاً در مسیر خشونت غیرمشروع گام برداشته است.

نتیجه گیری

تحلیل فلسفه جهاد در قرآن نشان می دهد که این مفهوم، در اصل ناظر به «تلاش در راه حق» است و تنها در شرایط خاص، به صورت نظامی ظهور می یابد. از این رو، جهاد نظامی نه ابزاری برای گسترش خشونت، بلکه واکنشی محدود و مشروط به شرایطی است که در آن، ظلم و سلب آزادی دینی رخ داده باشد. با این حال، تاریخ و واقعیت های معاصر نشان می دهد که این مفهوم می تواند دستخوش تفسیرهای ایدئولوژیک شود. در چنین شرایطی، بازگشت به متن قرآن و

تأکید بر اصولی چون عدالت، عدم تجاوز و حفظ کرامت انسانی ضروری خواهد بود.

در نهایت، نسبت جهاد با منازعاتی مانند «جنگ رمضان» را نمی‌توان به صورت ساده و یک‌سویه تحلیل کرد. این نسبت بستگی به آن دارد که کنش‌گران تا چه اندازه به روح و فلسفه واقعی جهاد پایبند باشند. از این رو، جهاد اگر در چارچوب قرآنی خود فهم شود، می‌تواند ابزاری برای رفع ظلم باشد.



منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن* (۱۰ جلدی). مصحح: محمد محسن آقابزرگ تهرانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۷۱). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام* (۱۰۴ جلدی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

The Strategic Role of Women in Cultivating Forces Loyal to the Velayat: An Analysis of the Link Between Practical Ethics, Social Security, and the Jihadi Spirit in the Context of Hybrid Warfare

fateme morshedi

Level 4 Scholar, Comparative Exegesis, Hazrat Zeinab (SA) Specialized Seminary, Aran-o-Bidgol, Iran.

f.m135@chmail.ir

Abstract

Cultivating individuals committed to Wilayat (allegiance to divine leadership) is a cornerstone of realizing Islamic civilization and a guarantee of the society's enduring security. In this context, women—particularly in their role as mothers—serve as the primary school of upbringing and the most vital factor in maintaining cultural and spiritual resilience against hostile threats. Employing a descriptive-analytical approach and drawing upon Quranic verses, traditions, the conduct of the Infallibles (peace be upon them), and an analysis of contemporary conditions, this study elucidates the strategic role of women in nurturing individuals committed to Wilayat.

The findings indicate that principles such as practical modeling, gradual instruction, honoring personal dignity, balanced affection, and purposeful encouragement and discipline—combined with methods like fostering self-awareness, engaging in family worship, cultivating modesty, monitoring peer associations, and managing media-related upbringing—constitute the most important tools available to mothers for internalizing religious values and the principles of Wilayat.

In the context of hybrid warfare, this role becomes the front line in defending national and religious identity; for a family in which a woman integrates a Velayat-oriented upbringing with a Jihadist spirit fosters psychological security, social capital, and resilience against cultural and security-related aggression.

Ultimately, redefining the role of women within the educational system is not merely a cultural issue but a strategic priority for the survival of the Revolution and the construction of Islamic civilization.

Keywords: Woman, Velayat-oriented upbringing, Family, Social security, Hybrid warfare.

الدور الاستراتيجي للمرأة في تنشئة قوى موالية لـ "الولاية": تحليل للرباط بين الأخلاق العملية والأمن الاجتماعي والروح الجهادية في سياق الحرب الهجينة

فاطمه مرشدي بيدگلي

طالب حوزوي في المستوى الرابع (تخصص التفسير المقارن)، مركز إعداد المعلمين (قم)، مقاطعة آران وبيدغول

f.m135@chmail.ir

ملخص

تُعدّ تنشئة أفراد ملتزمين بمبدأ "الولاية" (الولاء للقيادة الإلهية) ركيزة أساسية لتحقيق الحضارة الإسلامية وضماناً لأمن المجتمع واستقراره. وفي هذا السياق، تُمثّل المرأة - ولا سيما في دورها كأم - المدرسة الأولى للتربية والعنصر الأهم في الحفاظ على المناعة الثقافية والروحية في مواجهة التهديدات المعادية. وتُبيّن هذه الدراسة - بالاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي واستناداً إلى الآيات القرآنية والأحاديث الشريفة وسيرة المعصومين عليه السلام وتحليل الواقع المعاصر - الدور الاستراتيجي للمرأة في إعداد أفراد متمسكين بمبدأ الولاية.

وتشير النتائج إلى أن مبادئ مثل القدوة العملية، والتدرج في التعليم، واحترام الكرامة الشخصية، والمودة المتوازنة، والتشجيع والتهذيب الهادف - مقتزنةً بأساليب تعزيز الوعي الذاتي، والمشاركة في العبادات الأسرية، وترسيخ الحياء، ومتابعة علاقات الأقران، وإدارة الجوانب التربوية المتعلقة بالإعلام - تشكل أهم الأدوات المتاحة للأمهات لترسيخ القيم الدينية ومبادئ الولاية في النفوس.

في سياق الحرب الهجينة، يمثل هذا الدور خط الدفاع الأول عن الهوية الوطنية والدينية؛ إذ أن الأسرة التي تدمج فيها المرأة بين التنشئة القائمة على مبدأ "الولاية" والروح "الجهادية" تُرسّخ الأمن النفسي ورأس المال الاجتماعي والقدرة على الصمود في وجه العدوان الثقافي والأمني.

وفي المحصلة، فإن إعادة تعريف دور المرأة داخل المنظومة التربوية لا تُعدّ مجرد مسألة ثقافية، بل تمثل أولوية استراتيجية لبقاء الثورة وبناء الحضارة الإسلامية. الكلمات المفتاحية: المرأة، التنشئة القائمة على مبدأ "الولاية"، الأسرة، الأمن الاجتماعي، الحرب الهجينة.

نقش راهبردی زن در تربیت نیروهای ولایت‌مدار: واکاوی پیوند اخلاق عملی با امنیت اجتماعی و روحیه جهادی در بستر جنگ ترکیبی

فاطمه مرشدی بیدگلی

طلبه سطح؛ رشته تفسیر تطبیقی تربیت مدرس قم، شهرستان آران و بیدگل، ایران

f.m135@chmail.ir

چکیده

تربیت نیروهای ولایت‌مدار، از ارکان تحقق تمدن اسلامی و تضمین‌کننده امنیت پایدار جامعه است. در این میان، زن، به‌ویژه در جایگاه مادر، نخستین مدرسه تربیت و مهم‌ترین عامل پایداری فرهنگی و معنوی در برابر تهدیدات دشمن به شمار می‌آید. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استناد به آیات، روایات، سیره معصومان علیهم‌السلام و تحلیل شرایط معاصر، به تبیین نقش راهبردی زن در تربیت نیروهای ولایت‌مدار می‌پردازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد اصولی چون الگوگیری عملی، تدریج، تکریم شخصیت، محبت متوازن و تشویق و تنبیه هدفمند، همراه با شیوه‌هایی مانند خودآگاهی بخشی، عبادت خانوادگی، پرورش حیا، نظارت بر هم‌نشینان و مدیریت تربیت رسانه‌ای، مهم‌ترین ابزارهای مادر برای نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی و ولایی است. در شرایط جنگ ترکیبی، این نقش به خط مقدم دفاع از هویت ملی و دینی تبدیل می‌شود؛ زیرا خانواده‌ای که زن در آن تربیت ولایت‌مدار را با روحیه جهادی پیوند دهد، زمینه‌ساز امنیت روانی، سرمایه اجتماعی و مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و امنیتی خواهد بود. نتیجه آنکه بازتعریف نقش زن در نظام تربیتی، نه مسئله‌ای فرهنگی، بلکه اولویتی راهبردی برای بقای انقلاب و تمدن‌سازی اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: زن، تربیت ولایت‌مدار، خانواده، امنیت اجتماعی، جنگ ترکیبی

مقدمه

خانواده نخستین و ماندگارترین نهاد اجتماعی است که شخصیت فردی و جمعی انسان در آن شکل می‌گیرد. در این میان، زن به عنوان مادر نقش‌آفرینی بی‌بدیلی دارد؛ او نه تنها فرزند را از نظر جسمانی پرورش می‌دهد، بلکه بنیادهای ایمانی، اخلاقی و هویتی او را نیز پی‌ریزی می‌کند. در ادبیات دینی، تربیت به معنای «رساندن چیزی به حد کمالش به صورت تدریجی» (کفعمی، ۱۴۰۵: ص ۳۳۳) و در اندیشه انقلاب اسلامی، تربیت نیروی ولایت‌مدار به معنای پرورش نسلی است که محوریت ولایت فقیه را با بصیرت، تعهد عملی و روحیه جهادی پذیرفته و در راه تحقق اهداف انقلاب پایدار باشد.

امروزه جامعه ایران در میانه جنگ ترکیبی دشمن قرار دارد؛ جنگی که با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، شبهه‌افکنی اعتقادی، تضعیف ارزش‌های خانواده و ایجاد بحران هویت، قصد دارد بنیان‌های ایمانی و انقلابی نسل جوان را متلاشی کند. در چنین شرایطی، نقش مادر به عنوان سدی محکم در برابر این تهدیدات، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. مقام معظم رهبری بارها بر نقش خانواده و به‌ویژه مادر در «تحکیم بنیان‌های دینی» و «مقاوم‌سازی نسل جوان» تأکید کرده‌اند (بانکی‌پور و قماش‌چی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۹).

این پژوهش در پی آن است که با واکاوی اصول و شیوه‌های تربیت ولایت‌مدار

از منظر منابع دینی، پیوند آن را با دو مؤلفه «امنیت اجتماعی» و «روحیه جهادی» تبیین کند و در نهایت، نقش راهبردی زن را در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن به عنوان یک ضرورت انقلابی و تمدنی نشان دهد.

۱. مبانی نظری خانواده و تربیت ولایت‌مدار در جنگ ترکیبی

۱-۱) تعریف و جایگاه تربیت در اسلام

در فرهنگ اسلامی، تربیت فراتر از آموزش و به معنای شکوفایی استعداد های فطری انسان در مسیر عبودیت و قرب الهی است. قرآن کریم هدف خلقت را عبادت معرفی می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)، و عبادت نیز جز با تربیتی پیوسته و هدفمند میسر نمی‌شود. از این رو، پیامبران به عنوان مربیان الهی برانگیخته شدند تا انسان را از ظلمات جهل و گناه به سوی نور علم و تقوا هدایت کنند.

خانواده نخستین و اصلی‌ترین عرصه این تربیت است. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، حق فرزند بر پدر را «أَنْ يُعَلِّمَهُ الْأَدَبَ وَيَهْدِيَهُ إِلَى رَبِّهِ» برمی‌شمارد (نصیرزاده، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۳۷۳). در این میان، نقش مادر به دلیل حضور مستمر، پیوند عاطفی عمیق و تأثیرگذاری در دوران حساس شکل‌گیری شخصیت، از جایگاه ممتازی برخوردار است.

۲-۱) ولایت‌مداری به عنوان غایت تربیت

ولایت‌مداری در اندیشه شیعی، به معنای پذیرش رهبری معصومان علیهم السلام و در





عصر غیبت، نائب برحق ایشان (ولی فقیه) و التزام عملی به ارزش های ناشی از این پذیرش است. این نوع تربیت، فراتر از دینداری فردی، به معنای آماده سازی انسان هایی است که در عرصه های اجتماعی، سیاسی و دفاعی، وفادار به خط ولایت بوده و در برابر جبهه باطل ایستادگی کنند. حضرت زهرا علیها السلام با تربیت فرزندانانی چون حسنین علیهم السلام و زینب کبری علیها السلام، الگوی کاملی از این نوع تربیت را به نمایش گذاشتند.

۳-۱) تحلیل جنگ ترکیبی و نقش راهبردی مادر

۱-۳-۱) چیستی جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی، آمیزه ای از ابزارهای نظامی، امنیتی، اقتصادی، رسانه ای و فرهنگی است که با هدف فروپاشی نظام سیاسی و تغییر ارزش های یک جامعه به کار گرفته می شود. در این الگو، دشمن به جای رویارویی مستقیم نظامی، با بهره گیری از فضای مجازی، شبکه های اجتماعی، نهادهای مدنی و حتی القای شبهات اعتقادی، می کوشد اعتماد عمومی را تخریب کرده، بحران هویتی ایجاد کند و پیوند مردم با نظام اسلامی را دچار گسست سازد.

۲-۳-۱) هدف دشمن از تمرکز بر خانواده و زن

در جنگ ترکیبی، خانواده به عنوان اصلی ترین پایگاه فرهنگی و تربیتی مورد هدف قرار می گیرد. ترویج طلاق، کاهش جمعیت، گسترش فردگرایی، بی بندوباری جنسی و تضعیف نقش مادری، از جمله راهبردهایی است که با

هدف فروپاشی خانواده از درون دنبال می‌شود. زن در این میان، هم به عنوان هدف (با ترویج بی‌حجابی و مصرف‌گرایی) و هم به عنوان ابزار (برای نفوذ در خانواده‌ها) مورد هجوم قرار می‌گیرد.

۱-۳-۳) مادر به مثابه رکن مقاومت در جنگ ترکیبی

در چنین شرایطی، مادر آگاه و متعهد، خط مقدم دفاع از خانواده و جامعه به شمار می‌آید. او با تربیت ولایت‌مدار، نسلی را پرورش می‌دهد که:

الف) دارای هویت مستقل و عزت نفس مبتنی بر ارزش‌های دینی باشد.
ب) در برابر شبهات و هجمه‌های اعتقادی، بصیرت و توانایی تحلیل داشته باشد.

ج) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روحیه جهادی را در عمل نشان دهد.

د) از کیان خانواده و ارزش‌های آن پاسداری کند.

این نقش، فراتر از یک وظیفه فردی، به مسئولیتی راهبردی و ملی تبدیل می‌شود. رهبر شهید فرموده‌اند: «زنان ایرانی با تربیت فرزندان صالح، دارند انقلاب را بیمه می‌کنند» (بیانات ۱۳۹۶/۱۲/۲۲).

۲. اصول راهبردی تربیت ولایت‌مدار (با تأکید بر نقش مادر)

۲-۱) اصل الگوگیری و تأثیر رفتار مادر

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۰۵)؛ یعنی مردم را با عمل خود به خیر دعوت کنید. این روایت، اصل





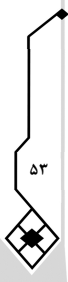
اساسی تربیت را «تقدم عمل بر گفتار» معرفی می‌کند. مادر با رفتار روزمره خود. از نحوه عبادت تا شیوه سخن گفتن و تعامل با دیگران. مهم‌ترین الگوی فرزند است. روان‌شناسانی چون فروید نیز بر فرایند همانندسازی کودک با والد هم‌جنس تأکید کرده‌اند؛ فرایندی که از طریق آن، ارزش‌های اخلاقی و هویت جنسیتی منتقل می‌شود (ماسن و دیگران، ۱۳۸۰: ص ۵۴۷).

در شرایط جنگ ترکیبی که رسانه‌ها با ارائه الگوهای کاذب (ستارگان سینما، خوانندگان و...) در پی تغییر هویت نسل جوان‌اند، حضور مادر به عنوان الگویی زنده، واقعی و باورمند می‌تواند مانع از اسارت فرزندان در برابر این الگوهای مخرب شود. از این رو، توصیه می‌شود مادران با بزرگداشت مناسبت‌های دینی، معرفی شخصیت‌های بزرگ و بهره‌گیری از کتاب‌ها و فیلم‌های فاخر، الگوهای اصیل را جایگزین الگوهای بیگانه کنند.

۲-۲) اصل تدریج و پرهیز از تحمیل

تربیت فرایندی تدریجی است. در روایات، آموزش عبادات به کودکان نیز به صورت تمرینی و متناسب با توان آنان توصیه شده است. عبادات تمرینی، هرچند تکلیف شرعی به دنبال ندارد، اما انس با خدا و احساس مسئولیت دینی را در کودک نهادینه می‌کند. فلسفی می‌نویسد: کودکی که از آغاز با نماز و دعا مأنوس شود، در بحران‌های زندگی می‌تواند از این سرمایه معنوی بهره‌گیر (فلسفی، ۱۳۴۱: ص ۱۹۹).

در عرصه جنگ نرم، دشمن با شتاب‌زدگی در پی تغییر سریع باورها و رفتار جوانان است. اصل تدریج در خانواده، یعنی شکل‌گیری آرام و پایدار باورهای



دینی، راهبردی دفاعی در برابر این شتاب زدگی تحمیلی به شمار می آید.

۳-۲) اصل تکریم شخصیت و محبت متوازن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۰۱، ص ۹۵). تکریم فرزند، عزت نفس و اعتماد به نفس او را تقویت می کند و از پناه بردن به هویت های کاذب جلوگیری می نماید. در مقابل، محبت افراطی نیز به اندازه بی مهری زیان بار است. امام باقر علیه السلام فرمودند: «بِئْسَ الْأَبُ مَنْ أَفْرَطَ فِي بَرِّ وَلَدِهِ» (فلسفی، ۱۳۶۸: ص ۲۰۴). محبتی که با نظم و مسئولیت پذیری همراه نباشد، فرزندى سلطه طلب و ناتوان از رویارویی با سختی ها می پروراند.

در تحلیل جنگ ترکیبی، دشمن با ترویج سبک زندگی مصرف گرا و فردگرا، در پی گسست عاطفی میان اعضای خانواده است. محبت آگاهانه و توأم با کرامت، چسبی است که پیوند خانواده را استحکام می بخشد و کانون آن را در برابر تفرقه افکنی های دشمن مقاوم می سازد.

۴-۲) اصل تشویق و تنبیه به مثابه ابزار انگیزش

قرآن کریم با به کارگیری هم زمان «بشارت» و «انذار» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۴۲۵) ضرورت دوگانه تشویق و تنبیه را در هدایت انسان یادآور شده است. تشویق، استعداد های درونی را شکوفا می کند و تنبیه به جا از عادت به ناهنجاری ها جلوگیری می نماید.

در دوران جنگ نرم که دشمن با تطمیع و تهدید در پی تغییر ارزش هاست،



والدین باید با تقویت نظام تشویق و تنبیه منطقی در خانواده، فرزندان را در برابر این دوگانه‌های کاذب ایمن سازند.

۳. شیوه‌های عملی تربیت نیروهای ولایت‌مدار

۱-۳) خودآگاهی بخشی و کرامت‌افزایی

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۷۶۸) و نیز: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُ خَيْرَهُ» (همان، ص ۲۳۲). خودشناسی، بنیاد پرهیز از گناه و زمینه‌ساز پذیرش ولایت است. مادر با آشنا ساختن فرزند با کرامت ذاتی انسان و جایگاه خلافت الهی او، مانع از افتادن وی در دام ضد ارزش‌ها می‌شود.

در شرایط جنگ شناختی که دشمن با روایت‌های تحقیرآمیز از هویت ایرانی - اسلامی در پی ایجاد احساس حقارت در نسل جوان است، تقویت عزت نفس مبتنی بر باورهای دینی، نوعی اقدام بازدارنده در برابر این جنگ محسوب می‌شود.

۲-۳) پرورش حیا به مثابه سپر اخلاقی

حیا از نگاه امام صادق علیه السلام عامل بازدارنده از قبیح و ضامن وفای به عهد و احترام به حقوق دیگران است (جعفی کوفی، ۱۹۶۹ق: ص ۷۹). حیا، افزون بر حفظ عفت فردی، به امنیت اجتماعی نیز کمک می‌کند. در جنگ ترکیبی، دشمن با ترویج بی‌حیایی در رسانه‌ها و فضای مجازی، در پی فروپاشی حریم‌های اخلاقی و فروکاستن جایگاه زن به کالاست. مادر با آموزش حیا در

گفتار، پوشش و رفتار، نه تنها دختران بلکه پسران را نیز در برابرین موج آسیب‌ها مقاوم می‌سازد.

۳-۳) نظارت بر همنشینان و مدیریت تربیت رسانه‌ای

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا تُصَاحِبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۲۰، ص ۲۷۲). این روایت، خطر معاشرت با نابابان را گوشزد می‌کند. امروز رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، نقش همنشینان نامرئی را ایفا می‌کنند.

مادر با آگاهی از آسیب‌های اینترنت، قرار دادن رایانه در فضای عمومی خانه، آموزش «نه» گفتن به پیام‌های ناشناس و ایجاد جایگزین‌های فرهنگی مانند کتاب، اردو و فعالیت‌های گروهی، می‌تواند نظارت هوشمندانه‌ای برای همنشینان مجازی داشته باشد (امینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۱۱۴).

۴-۳) تربیت بر محبت اهل بیت علیهم السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۳، ص ۴۹۳). محبت اهل بیت علیهم السلام نه صرفاً احساسی عاطفی، بلکه عاملی جهت‌دهنده به رفتار و سپری در برابر انحرافات است.

مادر با برگزاری جشن‌های ولادت، بیان فضایل، پیوند دادن خاطرات خوش با سیره معصومان علیهم السلام و ایجاد ارتباط معنوی با اماکن متبرکه، این محبت را در وجود فرزند نهادینه می‌کند. در جنگ ترکیبی که دشمن با شبهه افکنی درباره امامت و ولایت فقیه در پی ایجاد فاصله میان مردم و رهبری است، این محبت ریشه‌دار





می تواند سپری در برابر القائات سوء باشد.

۳-۵) اهتمام به عبادت و تقویت روحیه جهادی

خداوند به پیامبر ﷺ فرمان می دهد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲). نماز و عبادت در خانواده، افزون بر ایجاد انضباط معنوی، روحیه صبر، ایثار و جهاد را تقویت می کند. رهبر معظم انقلاب نیز عبادت را عامل «محکم شدن جوانان در مقابل تهاجم فرهنگی» دانسته اند (بانکی پور و قماش چی، کودک، نوجوان و جوان، ج ۲، ص ۷۹).

عبادت جمعی در خانه، دعاها و خانوادگی و توجه به نماز اول وقت می تواند روحیه جهادی را در فرزندان به صورت عملی نهادینه سازد.

۳-۶) شبهه زدایی و بصیرت افزایی در خانواده

یکی از شیوه های مهم در جنگ ترکیبی، شبهه افکنی در مبانی دینی و انقلابی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۶، ص ۴۷). مرجئه در آن روز گروهی بودند که عمل را در دین نفی می کردند؛ امروز نیز جریان هایی با رویکردی مشابه می کوشند ارزش های انقلابی و جهادی را به حاشیه برانند.

مادر با آموزش معارف دینی در قالب داستان، گفت و گو و پاسخ گویی به شبهات شناختی می تواند فرزند را از انحرافات فکری مصون دارد. رهبر معظم انقلاب نیز تأکید کرده اند: «امروز باید با شبهات ذهنی جوانان برخوردی متفکرانه و کارشناسانه صورت گیرد، زیرا دشمن در صدد شبهه پراکنی است» (طهماسبی،

۴. پیوند اخلاق عملی، امنیت اجتماعی و روحیه جهادی ۴-۱) اخلاق عملی در خانواده، مبنای امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی تنها با تدابیر پلیسی تأمین نمی‌شود؛ بلکه ریشه آن در اخلاقیات نهادینه شده در خانواده است. از نگاه امام علی علیه السلام، عباداتی همچون نماز و روزه، انسان را از گناه بازمی‌دارند و زمینه‌های تکبر و زورگویی را از میان می‌برند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). خانواده‌ای که اعضای آن به اخلاق عملی پایبند باشند، نه تنها در درون خود از آرامش برخوردار است، بلکه به عنوان یک سلول سالم اجتماعی، از بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی پیشگیری می‌کند.

۴-۲) روحیه جهادی، محصول خانواده ولایت‌مدار

جهاد در عصر حاضر تنها به میدان نبرد محدود نیست؛ بلکه جهاد تبیین، جهاد علمی، جهاد اقتصادی و جهاد فرهنگی نیز از مصادیق مهم آن به شمار می‌آیند. روحیه جهادی به معنای ایثار، مدیریت در بحران، مقاومت در برابر محرومیت‌ها و حفظ انسجام در شرایط دشوار است.

این روحیه در خانواده‌ای شکل می‌گیرد که مادر آن با صبر، توکل و عمل صالح، الگویی عملی برای فرزندان باشد. مادرانی که در دوران دفاع مقدس اداره پشت جبهه را بر عهده داشتند و امروز نیز در مواجهه با جنگ اقتصادی و رسانه‌ای، با مدیریت معیشت و تربیت آگاهانه فرزندان نقش آفرینی می‌کنند،



تجسم عینی این پیوند میان خانواده، اخلاق و روحیه جهادی هستند.

نتیجه‌گیری

زن در جایگاه مادر، نقشی راهبردی و بی‌بدیل در تربیت نیروهای ولایت‌مدار ایفا می‌کند. این نقش بر اصولی همچون الگوگیری عملی، تدریج در تربیت، تکریم شخصیت، محبت متوازن و بهره‌گیری هدفمند از تشویق و تنبیه استوار است و از طریق شیوه‌هایی مانند خودآگاهی بخشی، پرورش حیا، تربیت عبادی، مدیریت معاشرت و رسانه و نیز شبیه‌زدایی در خانواده تحقق می‌یابد.

در شرایط جنگ ترکیبی امروز، این نقش از یک وظیفه فردی فراتر رفته و به مسئولیتی راهبردی برای صیانت از هویت دینی جامعه، استمرار انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی تبدیل شده است. خانواده‌ای که در آن مادر به عنوان مربی ولایت‌مدار ایفای نقش کند، به کانونی برای تولید امنیت اجتماعی و پرورش روحیه جهادی بدل خواهد شد.

ازاین‌رو، بازخوانی جایگاه زن در نظام تربیتی ضرورتی است که باید در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی، نظام آموزشی، رسانه‌ها و برنامه‌های حمایتی از خانواده مورد توجه قرار گیرد. مادر تراز انقلاب اسلامی نه یک سوژه مصرفی در تبلیغات، بلکه معمار اصلی آینده انقلاب و ضامن استمرار راه امام و شهداست.

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه. (۱۳۸۵). ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۹۵). من لایحضره الفقیه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. امینی، ابراهیم. (۱۳۷۹). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
۴. بانکی پورفرد، امیرحسین؛ قماش چی، احمد. (۱۳۸۰). کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری. قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. جعفری کوفی، مفضل بن عمر. (۱۹۶۹ق). توحید المفضل. مکتبه الداوری.
۷. طهماسبی، احمد. (۱۳۸۴). شیوه‌های رفتار با جوانان. قم: یاقوت.
۸. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۰۵ق). المصباح. قم: رضی.



۹. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۶۸). *الحديث: روایات تربیتی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۴۱). *کودک از نظر وراثت و تربیت*. تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. ماسن، پاول هنری و دیگران. (۱۳۸۰). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
۱۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۴. معتزلی، عبدالحمید بن ابی الحدید. (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۹). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. نصیرزاده، قاسم. (۱۳۸۲). *سیری در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) سلسله گفتارهای آیت الله یثربی*. قم: فرهنگ آفتاب.



Peace and Reconciliation in the Quran: A Comparative Study of the "Covenant of Abraham" with the Quranic Teachings of Peace

Somayyeh kiyahoor

Level 4 scholar in the field of comparative interpretation at the specialized seminary of Qasim ibn al-Hasan (AS)

S.kiahor@gmail.com

somayyeh abbasi

Level 4 scholar in the field of comparative interpretation at the specialized seminary of Qasim ibn al-Hasan (AS)

Somayeh.abbasi@gmail.com

Abstract

The concept of peace is one of the fundamental concepts in Quranic teachings as well as in contemporary political developments in the Middle East. This study aims to comparatively examine the concept of peace in the Holy Quran and assess its relationship with the "Abraham Accords" (2020) to determine whether the peace model proposed in this covenant is consistent with the Quranic principles of peace. The main hypothesis of the research is that peace in the Quran has a normative and justice-oriented nature and its realization depends on eliminating oppression, respecting human dignity, and reforming social relations, while the Abraham Accords were mainly formed within the framework of geopolitical, security, and economic considerations. This study was conducted using a descriptive-analytical method and relying on interpretative sources of the Quran and contemporary political studies. The research findings show that in the Abraham Accords, the fundamental issue of Palestine has been marginalized and the concept of peace has found more of an instrumental function in organizing the regional power order. Accordingly, the research results indicate that the peace model presented in this covenant does not correspond substantially with the justice-oriented principles of peace in the Quran.

Keywords: Peace in Quran, Abraham Accords, Justice, International Politics, Palestine

السلام والمصالحة في القرآن: دراسة مقارنة بين "عهد إبراهيم" وتعاليم القرآن عن السلام

سميه كياهو

باحث من المستوى الرابع في مجال التفسير المقارن في الحوزة المتخصصة لقاسم بن الحسن عليه السلام
S.kiahor@gmail.com

سميه عباسي

باحث من المستوى الرابع في مجال التفسير المقارن في الحوزة المتخصصة لقاسم بن الحسن عليه السلام
Somayeh.abbasi@gmail.com

ملخص

يُعد مفهوم السلام من المفاهيم الأساسية في التعاليم القرآنية وكذلك في التطورات السياسية المعاصرة في الشرق الأوسط. تهدف هذه الدراسة إلى فحص مفهوم السلام في القرآن الكريم مقارنة بـ "اتفاقية إبراهيم" (٢٠٢٠) لتحديد ما إذا كان نموذج السلام المقترح في هذه الاتفاقية متوافقاً مع المبادئ القرآنية للسلام أم لا. الفرضية الرئيسية للبحث هي أن السلام في القرآن له طبيعة معيارية قائمة على العدالة، ويتحقق برفع الظلم، واحترام الكرامة الإنسانية، وإصلاح العلاقات الاجتماعية، بينما تشكلت اتفاقية إبراهيم بشكل أساسي في إطار الاعتبارات الجيوسياسية والأمنية والاقتصادية. أجريت هذه الدراسة باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي، بالاعتماد على مصادر تفسير القرآن والدراسات السياسية المعاصرة. تُظهر النتائج أن قضية فلسطين الجوهرية قد تم تهميشها في اتفاقية إبراهيم، وأن مفهوم السلام وجد وظيفة أداتية في تنظيم النظام الإقليمي للقوى. وبناءً على ذلك، تشير النتائج إلى أن نموذج السلام المقدم في هذه الاتفاقية لا يتوافق جوهرياً مع مبادئ السلام القائمة على العدالة في القرآن.

الكلمات المفتاحية: السلام في القرآن، اتفاقية إبراهيم، العدالة، السياسة الدولية، فلسطين

صلح و سازش در قرآن؛ مطالعه تطبیقی «پیمان ابراهیم» با آموزه‌های قرآنی صلح

سمیه کیاهور

دانش پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی قاسم بن الحسن علیه السلام، تهران، ایران
s.kiahor@gmail.com

سمیه عباسی

دانش پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی قاسم بن الحسن علیه السلام، تهران، ایران
Somayeh.abbasi@gmail.com

چکیده

مفهوم صلح از مفاهیم بنیادین در آموزه‌های قرآنی و نیز در تحولات سیاسی معاصر خاورمیانه است. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مفهوم صلح در قرآن کریم و سنجش نسبت آن با «پیمان ابراهیم» (۲۰۲۰) به این مسئله می‌پردازد که آیا الگوی صلح مطرح شده در این پیمان با مبانی قرآنی صلح هم‌خوانی دارد یا خیر. فرضیه اصلی پژوهش آن است که صلح در قرآن ماهیتی هنجاری و عدالت‌محور دارد و تحقق آن وابسته به رفع ظلم، رعایت کرامت انسانی و اصلاح روابط اجتماعی است، در حالی که پیمان ابراهیم عمدتاً در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی شکل گرفته است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به منابع تفسیری قرآن و مطالعات سیاسی معاصر انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در پیمان ابراهیم، مسئله بنیادین فلسطین به حاشیه رانده شده و مفهوم صلح بیشتر کارکردی ابزاری در سامان‌دهی نظم قدرت منطقه‌ای یافته است. براین اساس، نتیجه پژوهش حاکی از آن است که الگوی صلح ارائه شده در این پیمان با مبانی عدالت‌محور صلح در قرآن هم‌خوانی ماهوی ندارد.

کلیدواژه‌ها: صلح در قرآن، پیمان ابراهیم، عدالت، سیاست بین‌الملل، فلسطین

مقدمه

صلح از مفاهیم بنیادین در اندیشه دینی و سیاسی است، اما معنای آن در چارچوب‌های معرفتی مختلف یکسان نیست. در قرآن کریم، صلح صرفاً به معنای فقدان جنگ یا توقف درگیری نظامی نیست، بلکه مفهومی گسترده و چندبعدی است که با عدالت، احسان، رفع ظلم و اصلاح روابط اجتماعی پیوند عمیق دارد.

در این چارچوب، صلح زمانی تحقق می‌یابد که روابط انسانی بر مبنای عدالت و کرامت سامان یابد و ساختارهای ظلم و فساد از میان برداشته شود. آیاتی همچون «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) نشان می‌دهد که صلح در منطق قرآنی با تحقق عدالت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد.

در مقابل، در نظام سیاست بین‌الملل معاصر، صلح اغلب در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی تعریف می‌شود و بیشتر ناظر به مدیریت تعارض‌ها و حفظ موازنه قدرت است. «پیمان ابراهیم» که در سال ۲۰۲۰ میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی با میانجیگری آمریکا منعقد شد، نمونه‌ای برجسته از چنین رویکردی به صلح در سطح منطقه‌ای است.

در حوزه مطالعات اسلامی، پژوهش‌های متعددی به بررسی مفهوم صلح در قرآن پرداخته‌اند. طباطبایی در المیزان صلح را در پیوند با عدالت اجتماعی



تحلیل می‌کند و مکارم شیرازی در تفسیر نمونه آن را از اهداف اساسی شریعت می‌داند. در آثار مطهری و جوادی آملی، صلح به عنوان نتیجه تحقق عدالت و از لوازم جامعه توحیدی مورد توجه قرار گرفته است. در سوی دیگر، پژوهش‌های علوم سیاسی معاصره تحلیل ابعاد ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی پیمان ابراهیم پرداخته‌اند.

با وجود این، بررسی تطبیقی مفهوم صلح در قرآن با چارچوب مفهومی و سیاسی پیمان ابراهیم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش آن است که مفهوم صلح در قرآن چه مبانی و شاخص‌هایی دارد و این مبانی تا چه اندازه با رویکرد و اهداف مطرح در پیمان ابراهیم هم‌خوانی دارد.

پرسش اصلی پژوهش: مفهوم صلح در قرآن کریم چه مبانی و ویژگی‌هایی دارد و پیمان ابراهیم تا چه اندازه با این چارچوب مفهومی هم‌خوان یا متعارض است؟ پرسش‌های فرعی: مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت محور صلح در قرآن کدام‌اند؟ پیمان ابراهیم بر چه مبانی سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی استوار است؟ میزان انطباق یا تعارض این توافق با اصول صلح در اندیشه قرآنی چگونه قابل ارزیابی است؟

این پژوهش با رویکردی نظام‌مند انجام شده است. از نظر ماهیت، تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود. روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و استفاده از منابع تفسیری قرآن، آثار اندیشمندان اسلامی، مقالات علمی و اسناد سیاسی مرتبط با





پیمان ابراهیم است. داده‌ها با روش تحلیل محتوای استنتاجی و رویکرد تطبیقی بررسی شده‌اند.

۱. مفهوم صلح در قرآن؛ از اصلاح اخلاقی تا نظم اجتماعی

در گفتمان قرآنی، صلح صرفاً به معنای توقف نزاع یا آتش‌بس نیست، بلکه نوعی نظم اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر عدالت و اصلاح روابط انسانی است. ریشه واژه «صلح» از ماده «صلح» به معنای رفع فساد و برقراری وضعیت درست و متعادل در روابط انسانی است. راغب اصفهانی در مفردات توضیح می‌دهد که «صلح» در مقابل «فساد» قرار دارد و به حالتی اطلاق می‌شود که در آن نظام امور انسانی به سوی خیر و تعادل بازگردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۸). براین اساس، صلح در قرآن بیشتر مفهومی ارزشی و اخلاقی است تا صرفاً ابزاری سیاسی برای مدیریت منازعات.

این رویکرد در آیه «وَالصَّلَاحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸) نیز مشاهده می‌شود که صلح را امری مطلوب معرفی می‌کند. مفسران تأکید کرده‌اند که این گزاره به معنای تأیید هر نوع صلحی نیست. علامه طباطبایی در المیزان بیان می‌کند که مقصود از این آیه صلحی است که با تقوا و رعایت حقوق همراه باشد؛ زیرا اگر صلح به تثبیت ظلم یا تضییع حقوق بینجامد، در چارچوب «خیر» قرار نخواهد گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۹۷). بنابراین در نظام مفهومی قرآن، صلح نتیجه تحقق عدالت و رعایت حقوق انسانی است و هر توافقی که به تثبیت بی‌عدالتی

منجر شود، مصداق صلح واقعی نیست.

۲. صلح مشروط در قرآن: پیوند صلح و امنیت

قرآن پذیرش صلح را به شرایطی وابسته می‌داند. آیه ۶۱ سوره انفال: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» بیانگر آن است که اصل صلح در روابط اجتماعی و سیاسی مورد پذیرش قرآن است، اما تحقق آن به رفتار و نیت طرف مقابل نیز وابسته است. مکارم شیرازی در تفسیر نمونه توضیح می‌دهد که این آیه به معنای پذیرش بی‌قید و شرط صلح نیست، بلکه شرط اصلی آن صداقت طرف مقابل و نبود فریب سیاسی است. از این رو قرآن در کنار توصیه به صلح، مسلمانان را به حفظ آمادگی دفاعی نیز فرا می‌خواند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۸۲). برای اساس، صلح در چارچوب قرآنی فرایندی فعال تلقی می‌شود که در آن جامعه مؤمنان میان تمایل به صلح و حفظ توان دفاعی تعادل برقرار می‌کند.

۳. عدالت به عنوان بنیان صلح پایدار

عنصر محوری در نظام صلح قرآنی، عدالت است. قرآن در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) عدالت را به عنوان اصلی اساسی در سامان اجتماعی معرفی می‌کند. در این چارچوب، صلح پایدار تنها زمانی تحقق می‌یابد که روابط اجتماعی بر اساس عدالت شکل گرفته باشد. سید حسین نصر معتقد است که در جهان بینی اسلامی، صلح حقیقی نتیجه هماهنگی انسان با نظم



الهی و تحقق عدالت در جامعه است، نه صرفاً محصول موازنه قدرت‌های سیاسی (Nasr, 2015, p.202). جوادی آملی نیز تأکید می‌کند جامعه‌ای که در آن حق‌الله و حق‌الناس رعایت شود، به طور طبیعی به سوی صلح و آرامش اجتماعی حرکت خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۲).

براین اساس، صلح در قرآن بر سه محور اساسی استوار است: عدالت، اصلاح اجتماعی و کرامت انسانی. ترکیب این عناصر موجب می‌شود که صلح در منطق قرآنی نه یک وضعیت موقتی، بلکه نظامی اخلاقی و پایدار در روابط انسانی تلقی شود.

۴. پیمان ابراهیم؛ صلح به مثابه سازوکار ژئوپلیتیکی

در مقابل برداشت قرآنی از صلح، پیمان ابراهیم در سپتامبر ۲۰۲۰ میان اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین با میانجی‌گری آمریکا امضا شد. در بیانیه رسمی وزارت خارجه آمریکا، هدف این توافق «گسترش صلح، امنیت و همکاری اقتصادی در خاورمیانه» اعلام شده است (U.S. Department of State, 2020). با این حال، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نشان می‌دهد که عوامل راهبردی و امنیتی نقش مهمی داشته‌اند.

براساس گزارش RAND، پیمان ابراهیم بخشی از راهبرد گسترده‌تر آمریکا برای کاهش حضور مستقیم نظامی در خاورمیانه و انتقال بخشی از مسئولیت‌های امنیتی به متحدان منطقه‌ای است. در این چارچوب، اسرائیل به عنوان بازیگری

دارای توانمندی‌های پیشرفته نظامی و اطلاعاتی تقویت شده و برخی کشورهای عربی به شرکای امنیتی و اقتصادی آن تبدیل شده‌اند (RAND Corporation, 2021, p.14). این روند نشان می‌دهد که پیمان ابراهیم بیش از آنکه بر حل ریشه‌های تاریخی منازعات تمرکز داشته باشد، در پی ایجاد ساختاری جدید از همکاری‌های امنیتی و راهبردی در منطقه بوده است.

۵. صلح مبتنی بر منافع: تحلیل واقع‌گرایانه توافق

از منظر نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، پیمان ابراهیم نمونه‌ای از توافق‌های مبتنی بر منافع قدرت‌هاست. واقع‌گرایان بر این باورند که دولت‌ها در نظام بین‌الملل عمدتاً بر اساس منافع امنیتی و ملاحظات موازنه قدرت عمل می‌کنند (Mearsheimer, 2001, p.23). نشانه این رویکرد، هم‌زمانی پیمان ابراهیم با قراردادهای مهم تسلیحاتی است؛ مدت کوتاهی پس از امضای توافق، آمریکا فروش جنگنده‌های F-35 به امارات را در قراردادی به ارزش حدود ۲۳ میلیارد دلار تأیید کرد (Reuters, 2020, p.25). برخی تحلیل‌گران از مفهوم «صلح معاملاتی» برای توصیف این توافق استفاده کرده‌اند.

۶. مسئله فلسطین و چالش‌های مشروعیت صلح

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر پیمان ابراهیم، جایگاه مسئله فلسطین است. در بیانیه رسمی کاخ سفید اشاره محدودی به بهبود شرایط زندگی فلسطینیان شده، اما تعهد مشخصی درباره تشکیل دولت مستقل فلسطین یا توقف



شهرک سازی ارائه نشده است (White House, 2020). گزارش های سازمان ملل نشان می دهد در سال های پس از امضای این توافق، فعالیت های شهرک سازی اسرائیل در کرانه باختری ادامه یافته و در مواردی افزایش داشته است (United Nations, 2021, p.87). ایلان پایه معتقد است این روند بیانگر تغییر در گفتمان صلح در خاورمیانه است؛ به این معنا که مسئله فلسطین دیگر محور اصلی ابتکارهای دیپلماتیک منطقه ای نیست (Pappé, 2021, p.21).

نتیجه گیری

مقایسه دو الگوی صلح قرآنی و صلح مورد ادعا در پیمان ابراهیم نشان می دهد که این دو رویکرد از نظر مبنا، هدف و چارچوب اخلاقی تفاوتی بنیادین دارند. در منطق قرآن، صلح فرایندی برای تحقق عدالت، رفع ظلم و اصلاح روابط اجتماعی است؛ در حالی که در پیمان ابراهیم، صلح بیشتر به عنوان ابزاری برای مدیریت موازنه قدرت و تنظیم روابط راهبردی میان دولت ها تعریف می شود.

در چارچوب قرآنی، صلح ریشه در توحید و عدالت الهی دارد. آیاتی مانند «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) نشان می دهد که صلح در قرآن امری مطلوب است، اما این مطلوبیت با عدالت و صداقت پیوند خورده است. در مقابل، در چارچوب پیمان ابراهیم، صلح عمدتاً در قالب همکاری های سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان دولت ها تعریف می شود و عدالت به عنوان پیش شرط اصلی آن مطرح نیست (Bensahel,

.(2021, p.32).

از منظر قرآن، صلحی که به تثبیت ظلم یا تداوم بی‌عدالتی بینجامد، فاقد مشروعیت اخلاقی است. طباطبایی تأکید می‌کند که هر توافقی که به تحکیم موقعیت ظالم منجر شود، با روح تعالیم قرآنی ناسازگار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۷۱). در مقابل، یکی از مهم‌ترین انتقادهای وارد به پیمان ابراهیم، حاشیه‌رفتن مسئله فلسطین است.

در قرآن، هدف نهایی صلح «اصلاح» و برقراری عدالت اجتماعی است؛ چنان‌که در آیه «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰) بر اصلاح روابط میان انسان‌ها تأکید شده است. اما در تحلیل پژوهشگران روابط بین‌الملل، پیمان ابراهیم در بستر شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در خاورمیانه قابل فهم است؛ نظمی که بر اساس ائتلاف‌های منطقه‌ای و ملاحظات موازنه قدرت شکل گرفته است (RAND Corporation, 2021, p.2).

جوادی آملی معتقد است صلح حقیقی از ایمان، عدالت و رعایت حقوق انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، در حالی که صلح‌های مبتنی بر قدرت سیاسی غالباً عدالت را قربانی مصلحت‌های کوتاه‌مدت می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۱). ایلان پاپه (۲۰۲۱) از این توافق با تعبیر «peace without morality» یاد می‌کند؛ یعنی صلحی که الزاماً به پایان اشغال یا رفع ریشه‌های منازعه منجر نمی‌شود. برای این اساس، اگر در منطق قرآنی صلح ابزاری برای تحقق ارزش‌های الهی، عدالت و اصلاح اجتماعی است، در پیمان ابراهیم صلح بیشتر در خدمت تثبیت نظم

قدرت در ساختار ژئوپلیتیکی معاصر خاورمیانه قرار گرفته است. پس در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان گفت که بررسی مفهومی نشان می‌دهد صلح در قرآن بر مبنای عدالت، رفع ظلم و پاس داشت کرامت انسانی تعریف می‌شود و تحقق آن مستلزم برقراری توازن عادلانه در روابط انسانی و اجتماعی است؛ در حالی که پیمان ابراهیم عمده‌تاً در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی و با هدف مدیریت منازعات و بازتنظیم موازنه قدرت منطقه‌ای تبیین می‌شود. جمع‌بندی تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که میان صلح قرآنی، به عنوان صلحی عدالت‌محور، و صلح سیاسی مبتنی بر منافع قدرت تفاوت‌های بنیادین وجود دارد؛ از همین رو، میزان انطباق پیمان ابراهیم با اصول صلح قرآنی با چالش‌های نظری و اخلاقی قابل توجهی روبه‌رو است. این یافته‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده درباره نسبت الگوهای دینی صلح با سازوکارهای سیاسی معاصر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.



منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). جامعه در قرآن. قم: اسراء.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. قم: دارالقلم.
۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). عدل الهی. تهران: صدرا.
۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
7. Bensahel, N. (2021). The geopolitical logic behind the Abraham Accords. Hoover Institution.
8. Mearsheimer, J. (2001). The tragedy of great power politics. W.W.Norton & Company.
9. Nasr, S.H. (2015). Islam and the plight of modern man. Routledge.
10. Pappé, I. (2021). Israel's settler colonialism and peace politics. Pluto Press.
11. RAND Corporation. (2021). The Abraham Accords and regional security subsystem. RAND Corporation.

12.Reuters. (2020). U.S. approves F-35 sale to UAE after Israel peace deal. Reuters. Retrieved from [https:// www.reuters.com/](https://www.reuters.com/)



A Comparative Analysis of the Exegesis of Jihad Verses in the Holy Quran from the Perspectives of Sayyid Qutb (Sunni Exegete) and Sayyid Jawad Mughniyyah (Shia Exegete)

Fatemeh mohammadi

Faculty Member, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Tehran, Iran
mohammadifatemeh673@yahoo.com

Abstract

This study conducts a comparative analysis of the views held by two prominent contemporary exegetes—one Sunni and one Shia, Sayyid Qutb and Allameh Mughniyeh—addressing the central question: "How do differences in epistemological foundations and interpretive approaches lead to divergent readings of the verses concerning Jihad?" It further examines their differing perspectives on the objectives of Sharia, the relationship between religion and power, and the role of historical context in interpreting Jihad verses, as well as the impact of these differences on redefining the jurisprudence of international relations and the legitimacy of war and peace. Jihad constitutes a pillar of the Islamic intellectual framework and serves as a mechanism for defending the faith, the Islamic community, and divine values. Employing an interpretive qualitative content analysis and examining relevant verses, this study demonstrates that Sayyid Qutb—adopting a mission-oriented and civilizational perspective—views Jihad as a means to liberate humanity from systems of domination and to realize a monotheistic society. In contrast, Allameh Mughniyeh—utilizing a rational approach grounded in the jurisprudence of objectives (Maqasid)—limits Jihad to defense against aggression, the removal of obstacles to the call to Islam (Da'wah), and the repulsion of oppression. This epistemological divergence influences the redefinition of the jurisprudence of international relations and the concept of legitimate violence within Islamic thought.

Keywords: Jihad, legitimate defense, Da'wah (call to Islam), peace, jurisprudence of international relations.

تحليل مقارن لتفسير آيات الجهاد في القرآن الكريم من منظور كل من السيد قطب (مفسر سني) والسيد جواد مغنية (مفسر شيعي)

فاطمه محمدى

عضو هيئة علمي دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر، تهران، ايران

mohammadifatemeh673@yahoo.com

ملخص

تُجري هذه الدراسة تحليلاً مقارناً لآراء اثنين من أبرز المفسرين المعاصرين — أحدهما سني والآخر شيعي، وهما سيد قطب والعلامة مغنية — متناولاً السؤال الجوهرى التالي: "كيف تؤدي الاختلافات في الأسس المعرفية ومناهج التفسير إلى قراءات متباينة لآيات الجهاد؟". كما تبحث الدراسة في وجهات نظرهما المتباينة حول مقاصد الشريعة، والعلاقة بين الدين والسلطة، ودور السياق التاريخي في تفسير آيات الجهاد، فضلاً عن أثر هذه الاختلافات في إعادة صياغة فقه العلاقات الدولية ومشروعية الحرب والسلام؛ إذ يُعد الجهاد ركيزة أساسية في المنظومة الفكرية الإسلامية، وآلية للدفاع عن العقيدة والأمة الإسلامية والقيم الإلهية. باستخدام تحليل المحتوى النوعي التأويلي ودراسة الآيات ذات الصلة، تُبين هذه الدراسة أن سيد قطب، من خلال تبني منظور رسالي وحضاري، ينظر إلى الجهاد كوسيلة لتحرير البشرية من أنظمة الهيمنة وتحقيق مجتمع توحيدي. في المقابل، يُقصر العلامة المغنية، من خلال اتباع منهج عقلاني قائم على فقه المقاصد، مفهوم الجهاد على الدفاع ضد العدوان، وإزالة العقبات أمام الدعوة إلى الإسلام، وحرر الظلم. يؤثر هذا التباين المعرفي على إعادة تعريف فقه العلاقات الدولية ومفهوم العنف المشروع في الفكر الإسلامي. الكلمات المفتاحية: الجهاد، الدفاع المشروع، الدعوة إلى الإسلام، السلام، فقه العلاقات الدولية.

تحلیل تطبیقی تفسیر آیات جهاد در قرآن کریم از منظر سید قطب

(مفسر سنی) و سید جواد مغنیه (مفسر شیعی)

فاطمه محمدی

دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفیٰ علیهما السلام، تهران، ایران
mohammadifatemeh673@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با طرح پرسش اصلی «تمایز در مبانی معرفت‌شناختی و رویکردهای تفسیری چگونه به شکل‌گیری قرائت‌های متفاوت از آیات جهاد نزد سید قطب و علامه مغنیه می‌انجامد؟» به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر برجسته معاصر (سنی و شیعی) می‌پردازد. همچنین، تفاوت دیدگاه آنان درباره مقاصد شریعت، نسبت دین و قدرت، نقش سیاق تاریخی در تفسیر آیات جهاد و تأثیر این تفاوت‌ها بر بازتعریف فقه روابط بین‌الملل و مشروعیت جنگ و صلح بررسی شده است. جهاد از ارکان منظومه فکری اسلام و سازوکاری برای دفاع از دین، جامعه اسلامی و ارزش‌های الهی است. با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی محتوای تفسیری و بررسی آیات مرتبط، نشان داده شد که سید قطب با نگرشی رسالتی و تمدنی، جهاد را ابزار رهایی از نظام‌های سلطه و تحقق جامعه توحیدی می‌داند؛ در مقابل، علامه مغنیه با رویکردی عقلانی و فقه مقاصدی، جهاد را به دفاع در برابر تجاوز، رفع موانع دعوت و دفع ظلم محدود می‌کند. این تفاوت معرفتی، بازتعریف فقه روابط بین‌الملل و مفهوم خشونت مشروع در اندیشه اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: جهاد، دفاع مشروع، دعوت، صلح، فقه روابط بین‌الملل

مقدمه

یکی از مفاهیم چالشی در تفسیر قرآن کریم جهاد است، که گستره معنایی آن از مجاهده معنوی تا نبرد مسلحانه را دربرمی گیرد. نزول آیات مربوط به جنگ در بافت تاریخی خاص صدر اسلام، وجود اصطلاحاتی چون فتنه، بغی و اعتداء و تعامل پیچیده این آیات با آموزه های اخلاقی و مقاصد شریعت، زمینه ساز قرائت های متفاوتی در طول تاریخ تفسیر شده است. در دوران معاصر، اهمیت این اختلاف قرائت ها دوچندان است. زیرا صورت بندی نظری جهاد بر دیدگاه های فقهی درباره جنگ، صلح، پیمان ها و تعامل با دیگر ملل تأثیر مستقیم می گذارد. از میان مفسران معاصر، سید قطب و سید محمد جواد مغنیه دو چهره مرجع اند که هریک، بر بستر مکتب فکری و زمینه اجتماعی خود، فهمی متمایز از آیات جهاد عرضه کرده اند. این مقاله با رویکرد تحلیلی تطبیقی، نخست مبانی روش شناختی این دو مفسر را روشن می کند، سپس آیات کلیدی جهاد را به اختصار صورت بندی کرده و طریقه تفسیر هریک را می سنجد و در پایان پیامدهای فقهی آن ها ذکر می گردد.

۱) مبانی نظری و پیشینه تفسیری آیات جهاد

واژه «جهاد» در لغت عرب از ریشه «ج ه د» به معنای جهد، تلاش، کوشش و تحمل مشقت آمده است (ابن منظور، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۵۲). در اصطلاح قرآنی، این مفهوم بسیار گسترده است و شامل انواع تلاش ها در راه خدا می شود مفسران

از دیرباز، جهاد را به دو نوع عمده تقسیم کرده‌اند: جهاد اکبر و جهاد اصغر، جهاد اکبر مبارزه با هوای نفس، شیطان و صفات رذیله است. (مطهری، جهاد، ۱۳۷۰: ۸۵). علامه طباطبایی، جهاد را تلاش در راه خدا دانسته و آن را شامل تلاش فکری، عملی و نظامی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۳۴۵ و ج ۴، ص ۳۷۶). از منظر تاریخی، نزول بسیاری از آیات جهاد در دوران مدنی پیامبر اسلام ﷺ نشان دهنده ارتباط این مفهوم با شکل‌گیری و تثبیت جامعه اسلامی است (سیوطی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۲۱۲). آیات ابتدایی مکه بیشتر به جهاد درونی و دعوت مسالمت‌آمیزی پرداخت، اما با هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، نیاز به جهاد دفاعی و تبیین حدود آن ضروری شد. مفسرانی چون زرکشی در البرهان فی علوم القرآن به جنبه اجتماعی و نظامی جهاد در قرآن تأکید کرده و آن را ابزاری برای دفاع از امت و گسترش حق دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۱۹). در تفاسیر معاصر، رویکردهای جدیدی به مفهوم جهاد ارائه شده است. برخی مانند محمد رشید رضا، جهاد را بیشتر در چارچوب دفاع از بلاد اسلامی و مقابله با استعمار تفسیر کرده‌اند (رشید رضا، بی تا: ج ۴، ص ۱۱۷). غزالی نیز بر جنبه اخلاقی و اجتماعی جهاد در مقابله با ظلم تأکید دارد (غزالی، ۱۳۶۰: ۲۹۸). این پیشینه‌های تفسیری، زمینه فهم دیدگاه‌های مفسران جدیدتر مانند سید قطب و سید محمد جواد مغنیه را فراهم می‌آورد.

۲) دسته‌بندی موضوعی آیات جهاد در قرآن

آیات قرآنی مرتبط با جهاد، بر اساس مضامین و اهداف اصلی به سه دسته



عمده قابل تقسیم هستند. این تقسیم به ما کمک می‌کند تا گستره معنایی این مفهوم را در قرآن بهتر درک کنیم و سپس دیدگاه دو مفسر مورد نظر را در این چارچوب ارزیابی نماییم.

۱-۲) آیات جهاد دفاعی

این دسته از آیات بر ضرورت مقابله با دشمنانی که به سوی جامعه اسلامی تجاوز می‌کنند، تأکید دارند. آیه شریفه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره ۱۹۰) از برجسته ترین آیات این بخش است این آیه مبنای مشروعیت جنگ را دفاع در برابر تجاوز قرار داده و همزمان، تجاوز از حدود مجاز را منع می‌کند (طبری، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۵۶۶۹ و قرطبی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۹). این رویکرد تأکیدی بر بعد دفاعی جهاد و رعایت موازین اخلاقی در عین درگیری نظامی است.

۲-۲) آیات رفع فتنه و استبداد

دسته دیگر از آیات، جهاد را به منظور رفع فتنه، استبداد، ظلم و فساد در زمین تجویز می‌کنند. آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره، ۱۹۳). نمونه بارز این آیات است؛ مفسران مختلف، «فتنه» را به معنای شرک، فساد و سلب آزادی ایمان تفسیر کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۳۲۳ و طباطبایی، ۱۳۷۰: ج ۹، ص ۱۷۴). هدف در این جهاد تنها دفاع نیست، بلکه تلاش برای رهایی جامعه از سلطه ظالمانه و برقراری حاکمیت الهی است.

۲-۳) آیات حمایت از مظلومان

بخشی از آیات جهاد، بر وظیفه مسلمانان در حمایت از مستضعفان و مظلومانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند، تاکید می‌کند. آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)، از این قسم است. این آیه جهاد را برجسته می‌سازد. (طبری، ۱۳۹۰: ج ۵، ص ۲۶۷ و فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۶، ص ۱۱۲ و مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۵۰). این رویکرد، جهاد را نه تنها برای دفاع از خود، بلکه به عنوان یک رسالت انسانی و اخلاقی در قبال بشریت تلقی می‌کند.

۳) مبانی و روش‌شناسی تفسیری

۳-۱) روش‌شناسی سید قطب

سید قطب در «تفسیر فی ظلال القرآن»، خوانشی ادبی، تربیتی و حرکت‌محور از قرآن عرضه می‌کند. از نظری، قرآن کتابی برای ساختن امت و «تمدن توحیدی» است و مفاهیم محوری آن، از جمله جهاد، در نسبت با مأموریت تاریخی امت اسلامی معنا می‌یابد. وی معتقد است که قرآن برای آزادسازی انسان از هرگونه سلطه طاغوتی نازل شده است و جهاد ابزار تحقق این آزادی است؛ لذا جهاد تنها دفاع در برابر حمله دشمن نیست، بلکه ابزاری برای رهاسازی انسان از سلطه طاغوت است. به زعم وی قرآن مأموریتی جهانی برای برپایی نظام توحیدی ارائه می‌دهد و جهاد در این چارچوب معنا پیدا می‌کند «لَيْسَ الْجِهَادُ دِفَاعاً مَحْضاً

إِنَّمَا هُوَ لِإِزَالَةِ الْإِنِّظْمَةِ الْجَائِرَةِ (سید قطب، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۲۱). جهاد تنها دفاع نیست، بلکه برای ازبین بردن نظام های ستمگرو آزادسازی انسان از سلطه طاغوت است. درتبیین آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» سید قطب «فتنه» را صرفاً انحراف فکری و عقیدتی نمی داند، بلکه آن را نمودهای گوناگون سلطه نظام های باطل، استبداد و استکبار برانسان ها در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معرفی می کند (همان، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۴۰۷). بنابراین جهاد برای او حرکتی تهاجمی و فعال در جهت براندازی این نظام ها و برپایی نظام الهی است. او معتقد است که تا زمانی که سایه طاغوت برسر جامعه سایه افکنده است، جهاد برای آزادی انسان ها ادامه خواهد یافت (همان، ۱۳۷۲: ج ۲۳، ص ۱۴۵۲). با این حال سید قطب، به هیچ وجه مدافع جنگ بی رویه و تجاوز نیست، او براین نکته تأکید دارد که جهاد باید در چارچوب عدالت صورت گیرد و اسلام هرگونه اعتداء، ظلم و زیاده روی را منع کرده است. او جهاد را در راستای «توحید اجتماعی» می بیند، به این معنا که حاکمیت مطلق از آن خداوند است (همان، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۲۸).

۲-۳) روش شناسی مغنیه

مغنیه در «الکاشف» رویکردی متفاوت اما در عین حال هماهنگ با مبانی دین اسلام به مفهوم جهاد دارد. او جهاد را اساساً واکنشی در برابر تجاوز و ابزاری برای دفاع از جامعه اسلامی و حقوق مشروع آن تفسیر می کند (مغنیه، ۱۳۷۸:

ج ۱، ص ۲۸۱). مغنیه معتقد است که اسلام، در ذات خود، دین دعوت، رحمت و صلح است و جنگ و جهاد تنها در صورت ضرورت و در چارچوب دفاع مشروعیت پیدا می‌کند (همان، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۴۸ و ج ۳، ص ۲۱۰). بر روش عقلانی، فقه محور و مبتنی بر اخلاق قرآنی تکیه دارد، او استعمالات قرآنی را با مقاصد شریعت و آموزه‌های اخلاقی اسلام مرتبط می‌سازد. وی در تبیین آیه «وَلَا تَعْتَدُوا» برای این نکته تأکید دارد که جنگ در اسلام محدود به دفع تجاوز و مقابله با ظلم است و هرگونه تعرض به کسانی که با مسلمانان در حال جنگ نیستند، ممنوع است (همان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۸۳). او محور اصلی جهاد را در حمایت از مظلومان و دفاع از عدالت اجتماعی می‌بیند. (همان، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۵۰ و ج ۴، ص ۱۷۵) از این رو جهاد برای مغنیه، ابزاری برای برقراری نظم عادلانه و رهایی مستضعفان از چنگال ظالمان است. مغنیه نیز همچون بسیار از مفسران به پیوند جهاد با رهبری مشروع اشاره دارد و معتقد است که هرگونه اقدامی نظامی بدون اذن حاکم شرع و رهبری جامعه، مشروعیت ندارد (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۶، ص ۲۲۱).

۴) تحلیل تطبیقی دیدگاه‌ها

۴-۱) نقاط اشتراک

هر دو مفسر، در چند محور کلیدی پیرامون مفهوم جهاد، اشتراک نظر دارند:

۴-۱-۱) مفهوم دفاعی جهاد

هردو براین باورند که جهاد در درجه اول، ابزاری برای دفاع از دین، امت و سرزمین اسلامی در برابر تجاوزات دشمنان است (سید قطب، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۰۴۹ و مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۴۸).

۴-۱-۲) رعایت حدود اخلاقی

هردو مفسر، با استناد به آیات قرآن، بر ضرورت رعایت موازین اخلاقی و پرهیز از ظلم و تجاوز در حین جهاد تأکید دارند (سید قطب، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۴۰۴۹ و مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۸۳). هدف نهایی هردو الهی، هردو جهاد را در نهایت، در راه خدا و برای تحقق اهداف الهی می دانند، هرچند در مصادیق و گستره آن تفاوت دارند.

۴-۲) نقاط افتراق

اختلافات اصلی میان دو مفسر در چارچوب درک و تبیین گستره و اهداف جهاد نمایان می شود

۴-۲-۱) گستره جهاد

سید قطب، جهاد را فراتر از دفاع صرف می داند و آن را بخشی از یک حرکت جهانی و مستمر برای تحقق حاکمیت الهی و رفع موانع دعوت اسلامی در سراسر جهان تلقی می کند. برای او جهاد وسیله ای برای «انقلاب» علیه نظام های

طاغوتی و برپایی «نظام ربانی» است (سید قطب، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۴۵). علامه مغنیه، جهاد را یک اقدام دفاعی در برابر تجاوز معرفی می‌کند. وی بر جنبه‌های فقهی و حفظ حدود مشروع تأکید دارد و جهاد را در چارچوب حفظ مصلحت جامعه اسلامی و مقابله با ظلم و استبداد می‌بیند (مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۲۱۰).

۴-۲-۲) هدف اصلی جهاد

سید قطب هدف اصلی جهاد را «توحید اجتماعی» و براندازی هرگونه طاغوت و نظام غیرالهی می‌داند. جهاد در نظر او، ابزار آزادسازی انسان از بندگی غیرخدا و استقرار حاکمیت خداوند است (سید قطب، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۴۰۴۷). سید محمد جواد مغنیه، هدف اصلی را برقراری عدالت اجتماعی، دفاع از مظلومان و رفع فتنه (به معنای ظلم و استبداد) در جهت حفظ کیان امت و حقوق مشروع آن می‌داند (مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۵۰).

۴-۲-۳) تفاوت رویکردی

سید قطب؛ رویکرد جهانی، ایدئولوژیک و انقلابی دارد. او جهاد را بخشی از یک مبارزه ایدئولوژیک برای استقرار نظام حق در کل جهان می‌بیند. سید محمد جواد مغنیه رویکردی فقهی، حقوقی و صلح مدار (در صورت امکان) دارد، او برای رعایت ضوابط شرعی و دفاع مشروع تأکید بیشتری دارد و کمتر به جنبه تهاجمی و انقلابی جهاد در گستره جهانی می‌پردازد. این تفاوت رویکردی، ریشه در جهان-بینی، تجارب تاریخی و اولویت‌های فکری هریک از این دو مفسران دارد. قطب



تحت تأثیر شرایط سیاسی جهان اسلام، به جهاد به عنوان نیروی محرک تغییر و تحول در می‌نگرد. در حالی که مغنیه، بر جنبه های دفاعی و اصلاحی جهاد در چارچوب جامعه اسلامی و رعایت مصالح آن تمرکز دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی تفسیر آیات جهاد از منظر سید قطب و سید محمد جواد مغنیه، نشان دهنده غنای مفهوم جهاد در قرآن کریم و تنوع رویکردهای تفسیری به آن است. هر دو مفسر جهاد را ابزاری مشروع برای دفاع از دین، آزادی و عدالت انسانی می‌دانند و بر ضرورت رعایت حدود اخلاقی و پرهیز از ظلم در این مسیر تأکید دارند. این اشتراک بیانگر پیوند عمیق فهم قرآنی با مبانی اخلاق اسلامی و مسئولیت پذیری در برابر احقاق حق و دفع باطل است. با این حال تفاوت‌های بنیادینی در گستره، اهداف و رویکرد تفسیری این دو اندیشمند دیده می‌شود. سید قطب جهاد را به منزله مأموریت جهان شمول اسلام برای رفع موانع توحید و براندازی نظام‌های طاغوتی و حرکتی فعال و انقلابی برای استقرار حاکمیت الهی تلقی می‌کند. در مقابل علامه مغنیه جهاد را اساساً ابزاری دفاعی و واکنشی در برابر تجاوز و ظلم معرفی کرده و بر ضرورت رعایت ضوابط فقهی، حقوقی و حفظ مصالح جامعه اسلامی تأکید بیشتری دارد. این تفاوت در فهم، ریشه در جهان بینی، اولویت‌های فکری و اهداف بلندمدت هریک از مفسران دارد. سید قطب با نگاهی ایدئولوژیک و تحول خواه، جهاد را موتور محرکه تغییرات جهانی می‌داند، در حالی که مغنیه با رویکردی عمل‌گرایانه و فقهی، بر جنبه‌های دفاع مشروع و اصلاحی آن در چارچوب جامعه اسلامی تمرکز می‌کند.



منابع و ماخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۲). لسان العرب. تهران: دارالفکر.
۲. ابن کثیر، عماد الدین اسماعیل (۱۳۷۰). تفسیر القرآن العظیم. ترجمه روحانی، محمد حسین. قم: اسوه.
۳. رشید رضا، عبده، محمد (بی تا). تفسیر المنار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. زرکشی، بدرالدین محمد عبدالله (۱۴۲۰ق). البرهان فی علوم القرآن. قم: اسوه.
۵. سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۹). الاتقان فی علم القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). منشور جاوید. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۷. طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۰). جامع البیان عن تاویل القرآن. ترجمه، پاینده، ابوالقاسم. تهران: اساطیر.
۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۰). المیزان. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۹. الغزالی المصری، شیخ محمد (۱۳۶۰). فقه السیره. ترجمه حسین زاده، هاشم. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر (۱۳۹۰). الجامع الاحکام القرآن. ترجمه حسینی، احمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.



۱۱. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی (۱۳۷۲). فی ظلال القرآن. ترجمه موحدی، علی. تهران: دارالفکر.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰). جهاد. تهران: صدرا.
۱۳. مغنیه، سید محمد جواد (۱۳۷۸). الکاشف فی تفسیر القرآن الکریم. ترجمه حجتی، سید محمد باقر. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.



The Ethics of War in the Quran and the Life of the Prophet (PBUH), a Comparative Study of Humanitarian Rules in Modern Wars

Shahnaz Akbari

Level 4 Scholar in Comparative Exegesis, Rafiat al-Mustafa Specialized Seminary, Tehran, Iran
Akbarishahnaz976@gmail.com

Abstract

The evolving nature of warfare and the increasing complexity of the instruments of violence have highlighted the need to re-examine and compare the ethical and legal systems governing armed conflicts. Within the Islamic tradition—grounded in the Quran and the Prophetic *Sirah*—a model of the "ethics of war" has emerged, emphasizing a defensive, humane, and restrictive nature. In contrast, International Humanitarian Law (IHL), serving as the global framework for regulating conduct in warfare, constitutes the legal basis for assessing the legitimacy and limits of military operations. Despite the established history of both systems, the question remains: to what extent do they converge or diverge, and is it possible to find conceptual and functional alignment between them? The significance of this issue in contemporary conflicts—particularly the recent war against Iran—has been underscored by numerous reports of violations of international norms. This study aims to conduct a comparative analysis of the ethics of war in Islam and modern humanitarian rules, focusing on their commonalities, differences, and the grounds for the legitimacy of war. The research employs a descriptive-analytical method.

Keywords: War, ethics of war, international humanitarian law, the Prophet's conduct (Sirah), legitimacy of war.



أخلاقيات الحرب في القرآن والسيرة النبوية (دراسة مقارنة للقواعد الإنسانية في الحروب الحديثة)

شهناز اكبرى

المستوى الرابع في الحوزة العلمية، تخصص التفسير المقارن، معهد "رفيعات المصطفى"، طهران، إيران.
Akbarishahnaz976@gmail.com

ملخص

لقد سلطت الطبيعة المتطورة للحروب وتزايد تعقيد أدوات العنف الضوء على الحاجة إلى إعادة النظر في الأطر الأخلاقية والقانونية التي تحكم النزاعات المسلحة والمقارنة بينها. ففي إطار التراث الإسلامي -المستند إلى القرآن الكريم والسيرة النبوية- تبلور نموذج لـ "أخلاقيات الحرب" يتسم بطابع دفاعي وإنساني وضوابط مقيدة؛ وفي المقابل، يُشكل القانون الدولي الإنساني -باعتباره الإطار العالمي لتنظيم السلوك أثناء الحروب- الأساس القانوني لتقييم مشروعية العمليات العسكرية وحدودها. ورغم التاريخ الراسخ لكلا النظامين، تظل المسألة قائمة: إلى أي مدى يلتقيان أو يختلفان، وهل من الممكن إيجاد توافق مفاهيمي ووظيفي بينهما؟ لقد تزايدت أهمية هذه المسألة في الصراعات المعاصرة - ولا سيما الحرب الأخيرة ضد إيران - في ظل تقارير عديدة تشير إلى انتهاكات للأعراف الدولية. وتهدف هذه الدراسة إلى إجراء تحليل مقارن لأخلاقيات الحرب في الإسلام والقواعد الإنسانية الحديثة، مع التركيز على أوجه التشابه والاختلاف بينهما، وأسس مشروعية الحرب. وتعتمد الدراسة المنهج الوصفي التحليلي. الكلمات المفتاحية: الحرب، أخلاقيات الحرب، القانون الدولي الإنساني، السيرة النبوية، مشروعية الحرب.

اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر

(مطالعه تطبیقی قواعد بشردوستانه در جنگ‌های جدید)

شهناز اکبری

دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفی (علیه السلام)، تهران، ایران

Akbarishahnaz976@gmail.com

چکیده

تحول در ماهیت جنگ‌ها و پیچیده‌تر شدن ابزارهای خشونت، ضرورت بازخوانی و مقایسه نظام‌های اخلاقی و حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه را برجسته کرده است. در سنت اسلامی، بر پایه قرآن و سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم)، الگوی «اخلاق جنگ» با تأکید بر ماهیت دفاعی، انسانی و محدودکننده شکل گرفته است. در مقابل، «حقوق بشردوستانه بین‌المللی» (IHL) به عنوان چارچوب جهانی تنظیم رفتار در جنگ‌ها، مبنای حقوقی سنجش مشروعیت و حدود عملیات نظامی محسوب می‌شود. با وجود پیشینه هردو نظام، همچنان این پرسش مطرح است که میزان همگرایی یا اختلاف آن‌ها چیست و آیا می‌توان میان آن‌ها تطابقی مفهومی و کارکردی یافت؟ اهمیت این مسئله در مخاصمات معاصر، به ویژه جنگ اخیر علیه ایران، با گزارش‌های متعدد از نقض قواعد بین‌المللی، دوچندان شده است. هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی اصول اخلاق جنگ در اسلام و قواعد بشردوستانه نوین، با تمرکز بر اشتراک‌ها، تفاوت‌ها و مبانی مشروعیت جنگ است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. **کلیدواژه‌ها:** جنگ، اخلاق جنگ، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، سیره پیامبر، مشروعیت جنگ

مقدمه

در جهان پیچیده و به شدت به هم پیوسته امروز، که دامنه و ماهیت درگیری‌ها به طور مداوم در حال تحول است، بحث درباره اخلاق حاکم بر جنگ و چگونگی محدودسازی خشونت اهمیتی روزافزون یافته است. از یک سو، نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) با تکیه بر کنوانسیون‌های ژنو و لاهه می‌کوشد حدود و قواعد قابل قبول درگیری‌های مسلحانه را تعیین و از رنج‌های انسانی ناشی از جنگ بکاهد. از سوی دیگر، سنت‌های دینی عمیق، به ویژه تعالیم اسلام که در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبلور یافته است، قرن‌ها پیش چارچوبی اخلاقی و عملی برای محدود کردن خشونت و پاسداشت کرامت انسانی در زمان جنگ ارائه کرده‌اند.

این پژوهش با رویکردی تطبیقی به بررسی قواعد اخلاقی در میدان نبرد از منظر قرآن کریم و سیره نبوی می‌پردازد و می‌کوشد ضمن تبیین ابعاد مختلف این آموزه‌ها، ظرفیت‌های آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های معاصر برجسته سازد. در این راستا، پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود: چه مؤلفه‌هایی به عنوان محورهای اخلاقی جنگ در قرآن و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده است؟ و نقاط اشتراک و افتراق این آموزه‌ها با قواعد حقوق بشردوستانه در جنگ‌های معاصر چیست؟

در سال‌های اخیر آثار متعددی در این حوزه منتشر شده است که از جمله

می‌توان به این منابع اشاره کرد: پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹)، *تاریخ اسلام/از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام*، دفتر نشر معارف؛ جهان تیغ، حسین و نجفی، حسن (۱۳۹۷)، *نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین‌الملل؛ و موسوی میرکلائی، طاهر (۱۳۹۲)، راهکارها و ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹*. با این حال، آثار یادشده عمدتاً از منظر تاریخی یا حقوقی به موضوع پرداخته‌اند.

مقاله حاضر می‌کوشد با نگاهی تطبیقی، جنگ و قواعد ناظر بر آن را از دو منظر اخلاقی و حقوقی بررسی کند. نوآوری این پژوهش در تلفیق دو حوزه مهم اما نسبتاً مستقل، یعنی مباحث اخلاق جنگ در اسلام و قواعد مدرن حقوق بشردوستانه و تلاش برای ارائه چارچوبی تحلیلی و کاربردی برای فهم و مواجهه با چالش‌های جنگ در جهان معاصر است.

۱) مفاهیم کلیدی

۱-۱) جنگ

جنگ در لغت به معنای جدال، قتال، نبرد، پیکار و رزم آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۵، ص ۶۹۱۸). در اصطلاح، جنگ به درگیری مسلحانه سازمان‌یافته میان دو یا چند دولت، ملت یا گروه مسلح گفته می‌شود که معمولاً با اهداف سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۷ش: ج ۱، ص ۵۶، ۱۴۴).

۲-۱) اخلاق جنگ

اخلاق در لغت به معنای خُلق، منش، رفتار و شناخت خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی است و در اصطلاح به مجموعه هنجارها و معیارهای پذیرفته شده در جامعه اطلاق می‌شود که درستی یا نادرستی رفتار انسان‌ها را تعیین می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳ ش: ج ۱، ص ۱۵۳۷).

براین اساس، اخلاق جنگ به مجموعه قواعد، ارزش‌ها و اصول اخلاقی، انسانی و اسلامی گفته می‌شود که رعایت آن‌ها در تمامی مراحل جنگ - پیش از آغاز، در حین درگیری و پس از پایان آن - ضروری است (حسینی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱، ص ۳۱۵).

۳-۱) قواعد بشردوستانه

قاعده در لغت به معنای پایه، اساس و بنیاد است و واژه «بشردوستانه» به معنای انسان‌دوستانه و انسان‌گرایانه، یعنی آنچه در جهت حمایت از انسان و کرامت بشری قرار دارد، به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳ ش: ج ۱، ص ۱۵۳۷). در اصطلاح حقوق بین‌الملل، قواعد بشردوستانه به مجموعه اصول و مقرراتی گفته می‌شود که با هدف محدود ساختن آثار و پیامدهای انسانی جنگ تدوین شده‌اند. این قواعد عمدتاً در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن انعکاس یافته‌اند (حسینی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱، ص ۳۰۷).



۲) اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر ﷺ

در قرآن کریم، مفهوم جنگ در چارچوبی اخلاقی، هدفمند و محدود تعریف شده و غالباً با عنوان «جهاد» از آن یاد می‌شود. جهاد مفهومی عام‌تر از جنگ دارد و هرگونه تلاش در مسیر حق را دربرمی‌گیرد؛ با این حال، بُعد نظامی آن تنها در شرایط خاص و با ماهیت دفاعی مشروعیت می‌یابد. آیه (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا) (بقره، ۱۹۰) به صراحت قتال را مقید به مقابله با متجاوزان و پرهیز از تعدی می‌داند. براین اساس، جنگ ابتدایی توسعه طلبانه یا فاقد ضرورت دفاعی، فاقد مشروعیت است. قرآن کریم مشروعیت توسل به زور را به دفع ظلم، رفع فتنه، تأمین امنیت و حمایت از مؤمنان محدود می‌کند و انگیزه‌های مادی مانند تحصیل غنیمت را مردود می‌شمارد.

۲-۱) اصول اخلاقی جنگ در قرآن

اخلاق جنگ در قرآن بر مجموعه‌ای از اصول محدودکننده و انسانی استوار است:

۲-۱-۱) منع تعرض به غیرنظامیان و بی‌گناهان

حرمت جان و مال افراد غیرمشارک در جنگ مورد تأکید است. آیه (لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ... أَنْ تَعْتَدُوا) (مائده، ۲) تصریح می‌کند که دشمنی نباید به ظلم و تجاوز بینجامد.



۲-۱-۲) رعایت کرامت اسیران

رفتار انسانی با اسیران از دستورات صریح قرآن است؛ چنان که در آیه (وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا) (انسان، ۸) بر اطعام اسیر تأکید شده است. منع شکنجه و مثله کردن نیز از اصول ثابت اخلاق اسلامی به شمار می‌رود.

۲-۱-۳) منع فساد و تخریب بی‌جهت

آیه (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ) (بقره، ۶۰) با اطلاق معنایی خود هرگونه تخریب غیرضروری، از جمله نابودی منابع طبیعی، سوزاندن مزارع یا قطع درختان را در بر می‌گیرد.

۲-۱-۴) پایبندی به عهد و پیمان

حتی در شرایط خصومت، وفای به عهد الزامی است؛ (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) (مائده، ۱) بر رعایت تعهدات تأکید دارد.

۲-۱-۵) اصل تناسب در پاسخ نظامی

مقابله باید در حد ضرورت و عدالت باشد، نه فراتر از آن. آیه (فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ) (بقره، ۱۹۴) ناظر به محدود بودن پاسخ به میزان تجاوز است.



۲-۲) تجلی عملی در سیره پیامبر ﷺ

سیره نبوی تجسم عینی این اصول است. در غزوات و سریه‌ها، از بدر واحد تا فتح مکه، پیامبر ﷺ پیش از آغاز درگیری بردعوت به صلح، گفت‌وگو و اتمام حجت تأکید می‌کرد (واقدی، المغازی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۱۱۵). جنگ تنها زمانی آغاز می‌شد که راهی جز دفاع باقی نمی‌ماند (ابن هشام، السیره النبویه، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۲۵۸).

در میدان نبرد، دستورهای صریحی درباره منع کشتن زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران و راهبان صادر می‌شد و از تخریب مزارع، سوزاندن درختان و ویران‌سازی خانه‌ها نهی می‌گردید. رفتار با اسیران نیز مبتنی بر کرامت انسانی بود؛ اسیران بدر با احترام نگهداری شدند و آزادی بسیاری از آنان در قبال فدیة یا آموزش سواد تحقق یافت (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ص ۱۸۹).

پس از پایان جنگ‌ها، اصل عفو و گذشت مورد تأکید قرار داشت؛ عفو عمومی پس از فتح مکه نمونه‌ای شاخص از این رویکرد است (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ص ۱۲۵). همچنین واقعه حدیبیه جلوه‌ای روشن از پابندی پیامبر ﷺ به عهد و ترجیح صلح بردرگیری است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۲۰، ص ۳۵۰).

۳) قواعد بشردوستانه ناظر به جنگ

حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که



با هدف کاهش آلام انسانی در جنگ‌ها و محدود کردن دامنه خشونت نظامی شکل گرفته است. ریشه‌های این نظام حقوقی در کنوانسیون‌های لاهه و ژنو و نیز پروتکل‌های الحاقی آن‌ها قرار دارد. اسنادی مانند کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹)، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) از مهم‌ترین پایه‌های حقوقی این نظام محسوب می‌شوند و چارچوبی برای تعریف و پیگرد جنایات جنگی فراهم می‌آورند (جهان‌تیغ، ح؛ نجفی، ح، ۱۳۹۷، ش، ۵، ص ۴۵).

در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اصول بنیادینی برای تنظیم رفتار طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل تمایز است که بر تفکیک میان اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی تأکید می‌کند؛ بر اساس این اصل، حملات نظامی باید صرفاً متوجه اهداف نظامی باشد. در کنار آن، اصل تناسب قرار دارد که استفاده از نیروی نظامی را در صورتی که خسارات جانبی آن نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار بیش از حد باشد، ممنوع می‌داند.

همچنین اصل احتیاط در عملیات نظامی طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند تا در طراحی و اجرای حملات، اقدامات لازم را برای کاهش خسارات احتمالی به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی به کار گیرند. در همین راستا، حمایت از مجروحان و بیماران، اسیران جنگی و نیز کارکنان و مراکز پزشکی از اصول اساسی حقوق بشردوستانه به شمار می‌آید. افزون بر این، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای

غیرانسانی، منع حملات علیه اهداف غیرنظامی و محدودیت در استفاده از سلاح‌هایی که آثار بی‌رویه و غیرقابل کنترل دارند، از جمله قواعد مهم این نظام حقوقی محسوب می‌شوند (موسوی میرکلائی، ط، ۱۳۹۲ش: ش ۸۳، ص ۱۸۵). با وجود توسعه این قواعد در حقوق بین‌الملل، یکی از چالش‌های مهم در اجرای مؤثر حقوق بشردوستانه، مسئله نقض این مقررات در برخی مخاصمات مسلحانه است. گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که در برخی جنگ‌ها حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها یا خدمات حیاتی، رخ داده است که از منظر حقوق بشردوستانه می‌تواند مصداق نقض قواعد جنگ تلقی شود (عزیزی، س، ۱۳۹۲ش: ش ۱، ص ۹۰). چنین مواردی نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های حقوقی در سطح بین‌المللی، همچنان ضرورت تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی برای تضمین رعایت این قواعد در مخاصمات مسلحانه وجود دارد.

۴) بررسی تطبیقی اخلاق جنگ در اسلام با قواعد بشردوستانه

تحلیل تطبیقی اخلاق جنگ در اسلام با قواعد بشردوستانه نوین نشان می‌دهد که میان این دو نظام فکری و حقوقی، اشتراکات قابل توجهی وجود دارد. هر دو رویکرد بر ضرورت حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه تأکید دارند و تلاش می‌کنند دامنه خشونت در جنگ را محدود سازند. ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، حرمت تخریب بی‌رویه محیط زیست





واموال عمومی، و نیز لزوم پایبندی به عهد و پیمان از مهم‌ترین اصول مشترک میان اخلاق جنگ در اسلام و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شمار می‌آید.

در کنار این اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز در مبانی نظری و چارچوب‌های مشروعیت جنگ مشاهده می‌شود. مهم‌ترین تفاوت به مبنای مشروعیت جنگ بازمی‌گردد. در اندیشه اسلامی، جهاد مفهومی اخلاقی - معنوی است که مشروعیت آن بر دفاع، دفع ظلم و حمایت از مظلومان استوار است؛ در حالی که نظریه جنگ عادلانه در سنت غربی و نیز چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بیشتر بر مبانی حقوقی و سیاسی تکیه دارند و مشروعیت توسل به زور را بر اساس معیارهایی مانند وجود تهدید آشکار، تصمیم نهادهای رسمی یا ضرورت نظامی تبیین می‌کنند (موسوی، ع، ۱۳۸۶ ش: ۲۰۹، ص ۵۵).

از سوی دیگر، مفهوم «ضرورت نظامی» در حقوق بشردوستانه بین‌المللی گاه امکان حملات محدود علیه اهدافی را فراهم می‌کند که دارای کارکرد دوگانه نظامی و غیرنظامی هستند؛ در حالی که در اخلاق جنگ اسلامی تأکید بیشتری بر احتیاط و پرهیز از هرگونه تعرض غیرضروری به غیرنظامیان و اموال عمومی وجود دارد (حسینی، م، ۱۳۸۷ ش: ۳، ص ۶۰).

در مجموع، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که اخلاق جنگ در اسلام، با اتکا به آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر ﷺ، نظامی منسجم و انسان‌محور ارائه می‌دهد که در آن تلاش شده است دامنه خشونت در جنگ به حداقل برسد و کرامت انسانی

حتی در شرایط مخاصمه نیز حفظ شود. بسیاری از اصولی که امروزه در قالب قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی مطرح می‌شوند، در آموزه‌های اسلامی و سیره نبوی پیشینه‌ای دیرینه دارند.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیل تطبیقی انجام‌شده، اخلاق جنگ در اسلام که ریشه در قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ دارد، نظامی اخلاقی و محدودکننده خشونت به شمار می‌آید که قرن‌ها پیش از تدوین قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اصول مهمی در زمینه تنظیم رفتار در جنگ ارائه کرده است. هردو نظام بر اصولی همچون حمایت از غیرنظامیان، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و پرهیز از تخریب بی‌رویه تأکید دارند.

با این حال، تفاوت اساسی آن‌ها در مبانی مشروعیت جنگ است؛ در اندیشه اسلامی، جنگ تنها در چارچوب دفاع، رفع ظلم و حمایت از مظلومان مشروعیت می‌یابد، در حالی که حقوق بشردوستانه معاصر بیشتر بر معیارهای حقوقی و سازکارهای نهادی برای تنظیم رفتار در مخاصمات مسلحانه تمرکز دارد. این مقایسه نشان می‌دهد که میان اخلاق جنگ در اسلام و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، علاوه بر تفاوت‌های مبنایی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای هم‌گرایی به منظور کاهش آلام انسانی در جنگ‌ها وجود دارد.



منابع و ماخذ

- قرآن کریم.
۱. الحمیری، عبدالملک بن هشام. (۱۴۱۱ق). السیرة النبویة. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.
۲. الطبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری). چاپ اول. بیروت: دارالتراث.
۳. المازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب (ع). چاپ اول. قم: مؤسسه انتشارات علامه.
۴. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع). چاپ اول. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۵. حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷ش). اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
۶. حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷ش). سیره و اخلاق نظامی پیامبر اعظم (ص). تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
۷. حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷ش). قواعد بشردوستانه در اسلام و تطبیق آن با کنوانسیون های ژنو. فصلنامه مطالعات حقوقی، (۳).
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳ش). لغت نامه دهخدا. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. واقدی، محمد بن عمر بن واقد السهمی. (۱۴۰۹ق). المغازی (کتاب المغازی). چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. موسوی، علی. (۱۳۸۶ش). حقوق بین الملل بشردوستانه و نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران. رویدادها و تحلیل ها، (۲۰۹).



Table of Contents

Violation of the Principle of Distinction During the Ramadan War: A Focus on US and Israeli Military Strikes Against Energy Facilities—Perspectives from Islam and International Law / Valiollah Nasiri, Saleh Rezaei Pishrobat, Hojjat Salimi Turkmani

The ethics of war in the Quran and the life of the Prophet (PBUH); Applying the ethics of war and humanitarian rules in the Twelve Days and Ramadan wars / Azizullah Mohammadi

An Analysis of the Philosophy of Jihad in the Ramadan War Based on the Teachings of the Holy Quran / Ali Asghar jafari valani, Fatemeh AminiPouya

The Strategic Role of Women in Cultivating Forces Loyal to the Velayat: An Analysis of the Link Between Practical Ethics, Social Security, and the Jihadi Spirit in the Context of Hybrid Warfare / fateme morshedi

Peace and Reconciliation in the Quran: A Comparative Study of the "Covenant of Abraham" with the Quranic Teachings of Peace /somayyeh abbasi, Somayyeh kiyahoor,

A Comparative Analysis of the Exegesis of Jihad Verses in the Holy Quran from the Perspectives of Sayyid Qutb (Sunni Exegete) and Sayyid Jawad Mughniyyah (Shia Exegete) / Fatemeh mohammadi

The Ethics of War in the Quran and the Life of the Prophet (PBUH), a Comparative Study of Humanitarian Rules in Modern Wars / Shahnaz Akbari

Comparative Tafsir Research Journal Biannual Journal
Volume 3, Issue 1 (Special Issue), Fall & Winter 2025–2026

Owner: The Management Center of Seminaries for Women
Rafī'at al-Muṣṭafā Specialized Seminary

Director: Hamid Mohammadi
Editor-in-Chief: Houri Rezazadeh

Editorial Board Members:

Mohammad Abedi (Assistant Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought), Abdullah Mirahmadi (Associate Professor, Kharazmi University), Farideh Pishvaei (Seminary Instructor and Researcher, Al-Zahra University), Seyyedeh Zeinab Hosseini (Level 4 Graduate, Rafī'at al-Muṣṭafā Specialized Seminary), Marjan Bavafa (Assistant Professor, Farhangian University), Zahra Modarresi Rad (Level 4 Graduate and Seminary Instructor), Houri Rezazadeh (Level 4 Graduate and Seminary Instructor)

Executive Manager: Somayeh Kiahour
Literary Editor and Translator: Afsaneh Ghorbani
Page Layout: Manizheh Golestani
Publisher: Hajar Publishing House

Address: No. 1, Bastani Parizi Alley, Vesal Shirazi Street, Enghelab Street, Tehran, Iran
Tel.: +98 21 88965134
Email: tafsir-mogharen@whc.ir
Website: tafsir-mogharen.whc.ir
Publication License from the Ministry of Culture and Islamic Guidance: 96335
Print ISSN: 3060-6292
Electronic ISSN: 3060-7558